

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان



درسنامه چهل حکمت

از نهج البلاغه

به ضمیمه: (خانواده حکمت، اشعار، سخن بزرگان، پیام‌ها)



ابوالفضل قائدی بارده_مصطفی ضرونی



۱۴۰۴

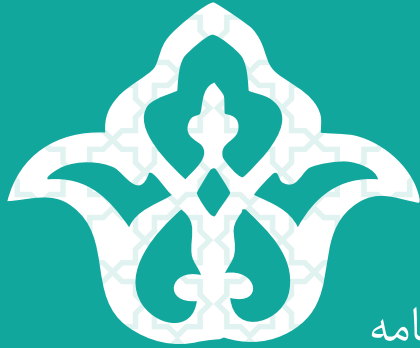
تقديم نامه

تقدیم‌نامه

رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی امام‌خامنه‌ای در سخنرانی نوروزی خویش در طلیعه سال ۱۴۰۴، با نگاهی ژرف و آینده‌نگر، در مورد ضرورت اهتمام و توجه ویژه به کتاب گران‌سنگ نهج‌البلاغه، چنین تأکید فرمودند: «امیرالمؤمنین قلّه عدالت است، قلّه تقوا است، قلّه گذشت است در طول تاریخ. اگر ملت ایران و ملت‌های مسلمان بخواهند استفاده کنند، از درس این انسان بزرگ و برترین انسان‌ها بعد از پیغمبر اکرم (ص)، باید به نهج‌البلاغه بیشتر مراجعه کنند. من توصیه می‌کنم امسال فعالان عرصه فرهنگی به مطالعه نهج‌البلاغه و آموزش نهج‌البلاغه توجه ویژه‌ای داشته باشند» (سخنرانی نوروزی در جمع اقشار مختلف مردم، ۱۴۰۴/۰۱/۰۱).

با عنایت به فرمایشات ارزشمند و راه‌گشای رهبر فرزانه انقلاب، نویسنده در راستای لبیک به ندای ایشان، بر خود فرض دانست که با توان و وسع خویش، گامی هرچند کوچک در جهت عینیت بخشیدن به رهنمودها و منویات مطروحه معظم له بردارد.

این اثر ناقابل، پیشکش می‌گردد: نخست، به ساحت قدسی یگانه قطب عالم هستی، حضرت صاحب‌الزمان (عج). سپس، به روان پاک و آسمانی معمار کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (ره). و همچنین، به محضر جانشین برحق ایشان و نائب امام عصر (عج)، حضرت آیت‌الله العظمی امام‌خامنه‌ای (مدظله العالی). نیز، به ارواح بلند و پرفتوح تمامی شهدای صدر اسلام و انقلاب اسلامی، به‌ویژه شهدای مدافع حرم، سرافرازان محور مقاومت، در راس آن‌ها سردار دل‌ها سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس و یاران باوفایشان. سرانجام، به شهدای خدمت، خاصه عالم وارسته، شهید دکتر سید ابراهیم رئیسی و همراهان گرامی‌اش، که در راه تحقق آرمان‌های والای انقلاب اسلامی، از جان شیرین خود گذشتند.



شناسنامه

عنوان کتاب: درسنامه چهل حکمت از نهج البلاغه

نگارندگان: ابوالفضل قاندي بارده_مصطفی ضرونی

مشخصات ظاهری: کتاب رنگی وزیری

شابک: ۸۷۹-۲۲۶-۲۰۲۸-۲۰۸۱-۱

موضوع: نهج البلاغه

رده بندی کنگره:

رده بندی دیویی:

شماره کتابخانه ملی:

نام کتاب: درسنامه حفظ چهل حکمت از نهج البلاغه

تالیف: ابوالفضل قاندي بارده_مصطفی ضرونی

ویراستار: ابوالفضل قاندي بارده

طراح: سید جمال حسینی

نشر: تحسین

تیراژ: ۵۰۰

قطع: وزیری

چاپ: اول

شابک: ۸۷۹-۲۲۶-۲۰۲۸-۲۰۸۱-۱

قیمت:

ارتباط با ما در ایتا

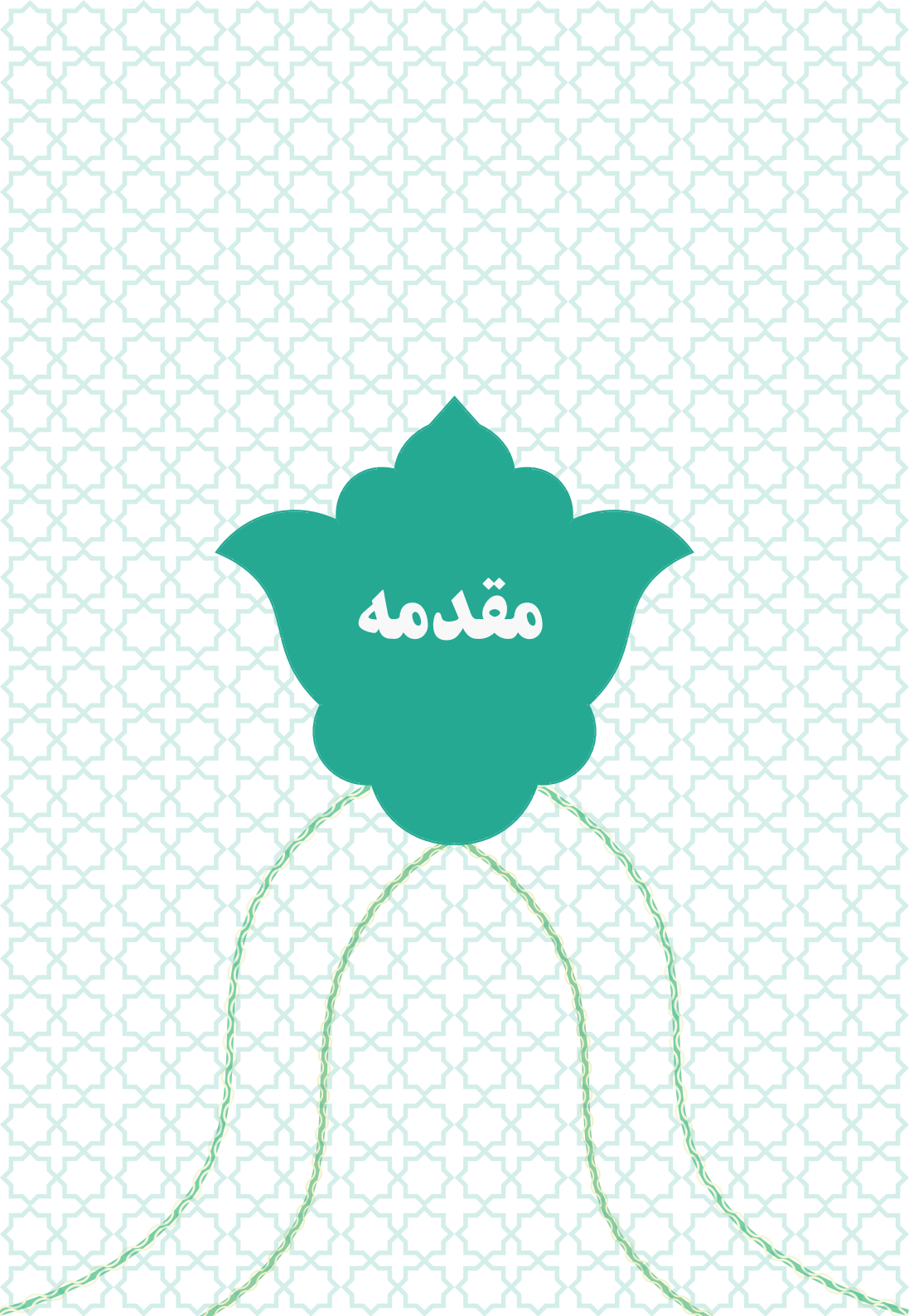


فهرست

- مقدمه ۵
- فصل اول: خودشناسی و تعالی فردی ۱۰**
- درس اول: سفری به اعماق خویشتن ۱۲
- درس دوم: نور و تاریکی در مسیر آگاهی ۱۴
- درس سوم: دروازه‌های دانش ۱۶
- درس چهارم: رمز و راز وجود انسان ۱۸
- درس پنجم: حلم و خویشتنداری ۲۰
- درس ششم: کنترل نفس در مسیر کمال ۲۲
- درس هفتم: خودشیفتگی و دام‌های نفس ۲۴
- درس هشتم: خودسازی و ارتقاء نفس ۲۶
- درس نهم: گشوده مومن ۲۸
- درس دهم: پالایش روح ۳۰
- فصل دوم: اخلاق و معنویت ۳۲**
- درس یازدهم: استقامت در مسیر زندگی ۳۴
- درس دوازدهم: درس‌های زندگی از تجربه‌های کوچک ۳۶
- درس سیزدهم: عبور از شعار تا تحقق باورها ۳۸
- درس چهاردهم: شکاف میان نیت و عمل ۴۰
- درس پانزدهم: واقع‌بینی در سپهر هستی ۴۲
- درس شانزدهم: آسایش دو گیتی ۴۴
- درس هفدهم: پیشوایان راه بلد ۴۶
- درس هجدهم: قدردانی آگاهانه از نعمات الهی ۴۸
- درس نوزدهم: گفتگوی صمیمانه با خالق هستی ۵۰
- درس بیستم: رهایی از وابستگی تا وارستگی ۵۲
- فصل سوم: مهارت‌های زندگی و ارتباطات موثر ۵۴**
- درس بیست و یکم: برنامه ریزی برای فردائی بهتر ۵۶

- درس بیست و دوم: تسخیر فرصت‌های زندگی ۵۸
- درس بیست و سوم: هنر کلام و تاثیر گذاری ۶۰
- درس بیست و چهارم: خردجمعی ۶۲
- درس بیست و پنجم: پیوندهای پایدار ۶۴
- درس بیست و ششم: منشور روابط انسانی ۶۶
- درس بیست و هفتم: تعادل پویا در زندگی متلاطم ۶۸
- درس بیست و هشتم: هم افزایی اجتماعی و شکوفایی جمعی .. ۷۰
- درس بیست و نهم: مهارت سازگاری و اثربخشی ۷۲
- درس سی ام: آغازی برای سقوط ۷۴
- فصل چهارم: مسئولیت اجتماعی و عدالت ... ۷۶**
- درس سی و یکم: هنر مدیریت تعارض ۷۸
- درس سی و دوم: آزمایش‌های الهی ۸۰
- درس سی و سوم: موانع خردورزی ۸۲
- درس سی و چهارم: زندانی در حصار مال ۸۴
- درس سی و پنجم: سرمایه‌گذاری معنوی و بازدهی اجتماعی ... ۸۶
- درس سی و ششم: صبر در طوفان‌های زندگی ۸۸
- درس سی و هفتم: دادگری و عدالت ۹۰
- درس سی و هشتم: پیروی از امام علیه السلام ۹۲
- درس سی و نهم: مسیر رهائی از ظلم ۹۴
- درس چهلم: آینده دردناک ستمکاران ۹۶
- سخن پایانی ۱۰۱
- فهرست منابع و مآخذ ۱۰۲

مقدمه



مقدمه

در دنیای پر تلاطم امروزی، نیاز به رشد فردی و اجتماعی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. زندگی در عصری که روز به روز با چالش‌ها و پیچیدگی‌های جدید و بسیاری روبروست، نیازمند مجموعه‌ای از دانش‌ها و مهارت‌هایی است که انسان را در شناخت بهتر خود، مدیریت زندگی، برقراری ارتباطات و تعاملات اجتماعی و ساختن جامعه‌ای سالم‌تر یاری رساند. از همین‌رو، این درسنامه، با هدف پاسخگویی به این نیازها، به عنوان یک راهنمای جامع و کاربردی، طراحی گشته است. کتاب پیش‌رو به عنوان منبعی ارزشمند، درصدد ارائه رهنمودهای عملی و علمی برای مواجهه با این چالش‌ها تدوین شده است.

حدیث نویسی به ویژه نگارش ۴۰ حدیث، یکی از سیره‌های مهم علماء در انتقال و پیاده سازی آموزه‌های دینی به نسل‌های آینده بوده است. این درسنامه با هدف حفظ و انتقال حداقل ۴۰ حکمت از کلام حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) تنظیم شده است. این احادیث، نه تنها حاوی آموزه‌ها و معانی عمیق و عملی، بلکه نقش اساسی در شکل‌دهی به افکار و رفتار افراد و جوامع بشری ایفا می‌کنند. بنابراین نوشته حاضر با رویکرد حفظ حداقل ۴۰ حکمت از نهج البلاغه، به گردآوری مجموعه‌ای از درس‌ها در جهت تقویت خودشناسی، توسعه مهارت‌های زندگی، ترویج اخلاق و معنویت و تقویت مسئولیت اجتماعی می‌پردازد.

اولین گام در مسیر رشد فردی و اجتماعی انسان، خودشناسی است. خودشناسی، نه تنها مقدمه‌ای برای رشد شخصی، بلکه ابزاری مهم برای پیشرفت در روابط اجتماعی نیز به کار می‌رود. با داشتن بینش دقیق از خویش، شخص قادر خواهد بود، تصمیمات بهتری اتخاذ کرده و مسیر زندگی خود را با اعتماد به نفس بیشتری طی کند. از این‌رو، کتاب حاضر در اولین گام، به ارائه درس‌هایی در راستای اهمیت و ضرورت شناخت نقاط قوت و ضعف درونی می‌پردازد تا به مخاطبان کمک کند، درک بهتر و عمیق‌تری از خویش پیدا کنند.

در گام دوم، به توسعه مهارت‌های زندگی پرداخته می‌شود. این فصل از کتاب شامل

ابزارها و تکنیک‌های عملی است که به افراد کمک می‌کند تا بتوانند زمان خود را به صورت صحیح مدیریت کرده و ارتباطات سالم و موثرتری با دیگران برقرار کنند. مهارت و یادگیری این آموزه‌ها به افراد این امکان را می‌دهد که در دنیای پیچیده و پرشتاب عصر امروز، به موفقیت‌های بیشتری دست یابند تا به صورت صحیح با چالش‌ها و مشکلات روزگار مواجه شوند.

در گام سوم این کتاب، به مباحثی در مورد ترویج اخلاق و معنویت پرداخته است. در دنیایی که روز به روز بر تنوع فرهنگی و اجتماعی افزوده می‌شود، پرداختن به ارزش‌های اخلاقی و معنوی می‌تواند برای ایجاد جامعه‌ای با فرهنگ دینی و وحیانی، ضروری باشد. از همین رو، در این فصل به بررسی رفتارهای انسانی و تأثیرات آن بر دیگران پرداخته و مخاطبان را نسبت به تفکر در مورد بینش و کنش خویش و اثراتشان بر جامعه ترغیب می‌کند.

کتاب حاضر در گام چهارم به تقویت مسئولیت اجتماعی می‌پردازد. افراد به‌عنوان اعضای یک جامعه، موظف هستند نه تنها به خواسته‌های فردی خود، بلکه به نیازهای اجتماعی نیز توجه کنند. فهم درست از مسئولیت‌های اجتماعی، به افراد کمک می‌کند تا به‌طور مؤثری در جهت بهبود شرایط اجتماعی تلاش کنند و فرهنگ مشارکت و همدلی را در جامعه گسترش دهند. از این رو، این بخش از کتاب با تمرکز بر حس مسئولیت‌پذیری و عدالت‌خواهی در افراد، خوانندگان را به مشارکت فعال در فعالیت‌های اجتماعی دعوت می‌کند.

در نهایت می‌توان گفت: کتاب حاضر به‌عنوان یک سفر اکتشافی در راستای رشد فردی و اجتماعی افراد، با هدف ارائه دانش و مهارت‌های کاربردی در زمینه‌های مختلف تدوین و طراحی شده است. این کتاب به‌عنوان یک مرجع علمی و عملی، می‌تواند منبعی موثر برای کسانی که به دنبال رشد و بهبود خود و دنیای پیرامون خود هستند، قرار بگیرد. امید است که خوانندگان با مطالعه این درسنامه، به بینش و آگاهی بیشتر و بهتری دست یابند و بتوانند در راستای رشد و تعالی خود و جامعه‌ای که در آن زندگی

می‌کنند، گام‌های مؤثر و سازنده‌تری بردارند. در نتیجه به طور خلاصه به برخی از مهمترین مزایا و ویژگی‌های این کتاب پرداخته می‌شود.

مزایا و امتیازات این درسنامه

۱. پاسداری و ترویج ارزش‌های اسلامی

محتوای این درسنامه به ترویج ارزش‌های اسلامی مانند صداقت، همبستگی و انسجام، صدقه و کمک رسانی و غیره کمک می‌کند. این آموزه‌ها به دنبال ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا هستند که در آن روابط انسانی بر مبنای محبت و احترام افراد به یکدیگر شکل گیرند. حفظ و انتقال این گونه احادیث به نسل‌های آینده، به پاسداری از این میراث علمی و فرهنگی کمک می‌کند و آگاهی تاریخی و دینی را تقویت می‌نماید.

۲. حفظ 40 حکمت مهارتی

در راستای تقویت و ارتقاء سطح علم و آگاهی مخاطبان و نیز ایجاد انگیزه و تشویق به حفظ حکمت‌های کتاب با ارزش نهج البلاغه در خوانندگان، این درسنامه با هدف حفظ حداقل 40 حکمت از کتاب نهج البلاغه طراحی و تدوین گشته است.

۳. خودشناسی عمیق و هدفمند

این درسنامه، با پرداختن به موضوعاتی نظیر: «رمز و راز وجود انسان»، «کنترل نفس در مسیر کمال»، «حلم و خویشتنداری» و غیره فرد را به سفری اکتشافی در درون خود دعوت می‌کند. هدف این سفر، نه فقط شناخت نقاط قوت و ضعف، بلکه کشف رسالت و معنای وجودی انسان است. با این خودشناسی عمیق، می‌توان انتخاب‌های آگاهانه‌تری داشته و مسیر زندگی خود را با اطمینان بیشتری طی کرد.

۴. توسعه مهارت‌های ضروری زندگی

مدیریت زمان، هنر کلام، ارتباط مؤثر، تعامل سازنده با دیگران و غیره همگی مهارت‌هایی هستند که شخص در زندگی روزمره خود به آن‌ها نیاز دارد. این درسنامه با ارائه مفاهیم و راهکارهای عملی در این زمینه‌ها، به انسان کمک می‌کند تا این مهارت‌ها را در خود تقویت کرده و در عرصه‌های مختلف زندگی، موفق‌تر عمل کند.

درس‌هایی مانند «مدیریت زمان»، «آداب دوستی»، «معاشرت برتر» و غیره در این راستا بسیار مفید خواهند بود.

۵. تقویت مسئولیت اجتماعی

❁ هیچ فردی نمی‌تواند فارغ از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، به کمال برسد. این درسنامه، با ارائه مباحثی چون «عدالت»، «مبارزه با ظلم» و غیره افراد را به مسئولیت‌های اجتماعی‌شان آگاه کرده و تشویق می‌کند تا در ساختن جامعه‌ای بهتر و عادلانه‌تر، مشارکت فعال داشته باشند. با تکیه بر درس‌های «دادگری» و «مدیریت تعارض» و غیره می‌توان در این راه تاثیرگذار بود.

۶. نگاهی جامع و متوازن

❁ این درسنامه با پوشش دادن طیف وسیعی از موضوعات، از خودشناسی و مهارت‌های فردی گرفته تا مسائل اخلاقی و اجتماعی، یک دیدگاه جامع و متوازن از زندگی را ارائه می‌دهد. این نگاه جامع، به افراد جامعه کمک می‌کند تا زندگی را به صورت یک کل منسجم ببینند و ابعاد مختلف آن را به درستی درک کنند.

۷. زبانی ساده و روان

❁ این درسنامه با وجود رویکرد علمی، به زبانی ساده، روان و قابل فهم برای عموم مخاطبان نگارش شده است. هدف کتاب حاضر، این است که مفاهیم پیچیده را به گونه‌ای بیان کند که برای همه قابل درک و مورد استفاده قرار بگیرد. پرهیز از واژگان و اصطلاحات تخصصی غیرضروری، یکی از ویژگی‌های مهم این درسنامه است.

۸. ساختار منسجم و منطقی

❁ این درسنامه، به جای پرداختن به موضوعات به صورت مجزا و پراکنده، رویکردی منسجم را در پیش گرفته است. به این معنا که موضوعات مختلف را در ارتباط با یکدیگر بررسی می‌کند تا یک دیدگاه کل‌نگر نسبت به زندگی به وجود بیاید. درس‌های این کتاب در چهار فصل مجزا و مرتبط دسته‌بندی شده‌اند، تا مطالعه و مرور آن‌ها آسان‌تر

باشد. این ساختار به افراد کمک می‌کند تا مطالب را به صورت گام به گام و به روشی منسجم و منطقی فرا بگیرند.

۹. تأکید بر کاربردی و بروز بودن با چالش‌های معاصر

✿ در این درسنامه، صرفاً به بیان تئوری‌های انتزاعی بسنده نشده است، بلکه سعی شده راهکارها به گونه‌ای ارائه شوند که در زندگی روزمره قابل استفاده و کاربردی باشند. به همین دلیل، در پایان هر درس، تلاش شده پیام‌های عملی ارائه شود تا افراد بتوانند آموخته‌ها را در زندگی خود به کار بگیرند. کاربردی بودن، انسان را قادر می‌سازد تا به سرعت شاهد تغییرات مثبت در زندگی خود باشد. به همین دلیل این کتاب، راه کارهای بروز و کاربردی را برای مواجهه با چالش‌های معاصر ارائه می‌دهد.

۱۰. قابلیت استفاده برای تمام اقشار

✿ زبان ساده و روان این درسنامه، باعث شده تا برای تمام اقشار جامعه، از نوجوانان و جوانان تا بزرگسالان و سالمندان، قابل استفاده باشد. بنابراین هر فردی با هر سطح سواد و تحصیلاتی می‌تواند از مطالب این کتاب بهره‌مند شود. این ویژگی باعث شده تا این درسنامه به یک منبع ارزشمند برای تمام خانواده‌ها تبدیل شود.

بنابراین درسنامه پیش‌رو، درکنار مجموعه‌ای از درس‌ها، به عنوان یک ابزار مفید برای تحول فردی و اجتماعی افراد جامعه است. از این‌رو، با مطالعه و عمل به رهنمودهای پیرامون حکمت‌های جمع‌آوری شده در این کتاب، می‌توان زندگی خود را به سمتی بهتر هدایت کرده و نقش موثرتری در جامعه ایفا کرد. این نوشته، مخاطبان را به سفری جذاب و پربار در مسیر تعالی فردی و اجتماعی دعوت و سوق می‌دهد.

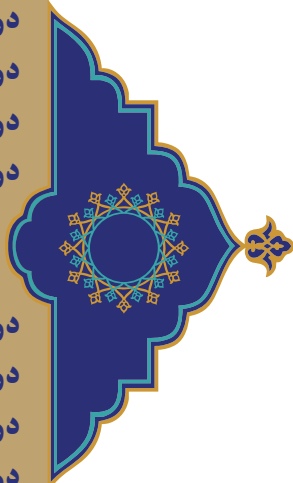


فصل اول: خودشناسی و تعالی فردی

این فصل به بررسی ابعاد مختلف خودشناسی، رشد فردی، و ارتقاء ویژگی‌های شخصیتی می‌پردازد. هدف اصلی این فصل، کمک به مخاطب برای شناخت بهتر خود و توانایی‌هایش در مسیر رشد فردی است.



- درس اول: سفری به اعماق خویشتن
- درس دوم: نور و تاریکی در مسیر آگاهی
- درس سوم: دروازه‌های دانش
- درس چهارم: رمز و راز وجود انسان
- درس پنجم: حلم و خویشتنداری
- درس ششم: کنترل نفس در مسیر کمال
- درس هفتم: خودشیفتگی و دام‌های نفس
- درس هشتم: خودسازی و ارتقاء نفس
- درس نهم: گشوده مومن
- درس دهم: پالایش روح



درس اول: سفری به اعماق خویشتن

حفظ حکمت

۱. قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ/ ۸۱

خانواده حکمت

۱. وارستگی از شهوات: مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ، هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَوَاتُهُ/ ۴۴۹

۲. حقیقت انسان: مَا لِابْنِ آدَمَ وَالْفَخْرِ؟! أَوْلُهُ نُطْفَةٌ وَ آخِرُهُ جِيَمَةٌ، وَ لَا يَرْزُقُ نَفْسَهُ وَ لَا يَدْفَعُ حَتْفَهُ/ ۴۵۴

۳. رهایی از هلاکت: هَلَكَ امْرُؤٌ لَمَّا يَعْرِفْ قَدْرَهُ/ ۱۴۹

سعر

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود

زهر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

سخن بزرگان

شهید استاد مطهری: در تعریف کرامت نفس چنین می فرماید: مراد از کرامت نفس، احترام به خود است و با عجب و تکبر و خود خواهی متفاوت است.



۱. قیمت و ارزش هر کس به اندازه کاری است که می تواند آن را به خوبی انجام دهد.
۱. کسی که برای خود شخصیت قائل است، شهواتش در برابرش خوار خواهند بود.
۲. انسان را با تکبر چه کار؟ در آغاز، نطفه بی ارزشی بود و سرانجام مرداری (گندیده) است. نمی تواند خود را روزی دهد و نه مرگ را از خود دور سازد.
۳. آن کس که قدر خود را نشناسد هلاک می شود.

۱. آنچه در دنیا است، قابل ارزش گذاری است.
۲. دل مشغولی ها و کارهای انسان، قیمت افراد و عیار آن ها را مشخص می کند.
۳. اشرف مخلوقات بخاطر برخورداری از عقل و درایت، جایگاه ویژه ای دارد.
۴. شناخت استعدادها به همراه محاسبه منطقی، باعث جلوگیری از هلاکت است.
۵. پی بردن به جایگاه و شناخت مقام والای انسانی، سبب قیمتی شدن انسان است.
۶. راه رهایی از کمند شهوات، توجه به حقارت و بی ارزشی متعلقات آن است.
۷. شهوات، دام شیطان برای زمین گیر کردن انسان است.
۸. راه رهایی از شهوات، رعایت تقوا و خویشتن داری است.

یادداشت



درس دوم: رمز و راز وجود انسان

حفظ حکمت

اعْجَبُوا لِهَذَا الْإِنْسَانِ؛ يَنْظُرُ بِشَحْمٍ، وَيَتَكَلَّمُ بِلَحْمٍ، وَيَسْمَعُ بِعَظْمٍ، وَيَتَنَفَّسُ مِنْ حَرَمٍ/ ۱۲

خانواده حکمت

۱. کانون زندگی: لَقَدْ عَلَّقَ بِنِيَابِ هَذَا الْإِنْسَانِ بَضْعَةً هِيَ أَعْجَبُ مَا فِيهِ وَ [هُوَ] ذَلِكَ الْقَلْبُ/ ۱۰۸

۲. فخر بی اساس: مَا لِابْنِ آدَمَ وَ الْفَخْرِ! أَوَّلُهُ نُطْفَةٌ وَ آخِرُهُ جِيفَةٌ، وَ لَا يَرِزُقُ نَفْسَهُ وَ لَا يَدْفَعُ حَتْفَهُ/ ۴۵۴

۳. سرنوشت دنیا: يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ... أَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نُكِحَتْ، وَ أَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قُسِمَتْ. هَذَا خَبْرٌ مَا عِنْدَنَا، فَمَا خَبْرٌ مَا عِنْدَكُمْ/ ۱۳۰

سمر

خدا انسان بقدرت آفریده است

درو بسیار حکمت آفریده است

سخن زرگان

دانشمندان درباره شگفتی‌های بدن انسان نکاتی را بیان کرده اند، به عنوان نمونه گفته اند: «نخستین پدیده شگفت انگیز، اتصال ذهن و بدن است و اینکه ذهن چگونه از بدن تاثیر می پذیرد و برعکس. هرچند علوم اعصاب در ۲۰ سال اخیر پیشرفت‌های زیادی حاصل کرده است، باوجود این تا کنون علم نتوانسته برای این پرسش‌ها پاسخ قانع کننده‌ای ارائه کند. ادراک فراحسی، دومین پدیده ناشناخته‌ای است که علم در پاسخگویی به آن ناتوان است.»



رحم

از این انسان در شگفت شوید، به قطعه ای پیه می بیند و به پاره گوشتی سخن می گوید و به تکه استخوانی می شنود و از شکافی نفس می کشد.

۱. در درون سینه این انسان قطعه گوشتی است که به رگ مخصوصی آویخته شده و عجیب ترین اعضای او همان قلب وی است.

۲. انسان را با تکبر چه کار؟ در آغاز، نطفه بی ارزشی بود و سرانجام مرداری (گندیده) است. نمی تواند خود را روزی دهد و نه مرگ را از خود دور سازد.

۳. ای ساکنان خانه‌های وحشتناک همسرانتان به نکاح دیگران درآمدند و اموالتان تقسیم شد. اینها خبرهایی است که نزد ماست، نزد شما چه خبر؟

پیام

۱. عظمت خلقت انسان به گونه‌ای است که با وجود اجزای ساده، توانایی‌های پیچیده‌ای دارد.

۲. شناخت نعمت‌ها و تفکر در خلقت انسان، سبب شکر گذاری و توجه بیشتر به خالق هستی است.

۳. قلب مرکز احساسات، افکار و تصمیم گیری‌ها و کانون محبت و احساسات انسانی است.

۴. باتوجه به نقش کلیدی قلب در زندگی، مراقبت از سلامتی و پاکی قلب تاثیر بسزایی در رفتار دارد.

۵. برای انسان نقطه آغاز و پایانی است، فهم این مسئله می‌تواند ما را به تلاش بیشتر دعوت کند.

۶. انسان علی‌رغم عظمت خلقتش، روزی اش و مرگش خارج از اختیار اوست و باید بر خدا توکل کند.

۷. ارزش واقعی انسان، در درون اوست، نه در فخر فروشی به مال و امکانات مادی.

۸. زندگی جریان دارد و چون رودخانه‌ای جاری است؛ مرگ پایان کار نیست، بلکه پلی به دنیای جاودان است.

یادداشت



درس سوم: دروازه‌های دانش

حفظ حکمت

أَوْضَعُ الْعِلْمَ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ، وَأَرْفَعُهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ / ۹۲

خانواده حکمت

۱. ارت ارزشمند: الْعِلْمُ وَرَأْتُهُ كَرِيمَةً... / ۵
۲. برتری علم بر ثروت: يَا كَمِيلُ، الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَجْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ / ۱۴۷
۳. گمشده مومن: الْحِكْمَةُ صَالَةٌ الْمُؤْمِنِ، فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ النَّفَاقِ / ۸۰

سحر

مالی که ز تو کس نستاند، علم است

حرزی که تو را به حق رساند، علم است

سخن زرگان

آیت الله مکارم شیرازی، درباره جایگاه علم و دانش در دین اسلام می‌فرماید: «در منطق اسلام کلمه «فارغ التحصیل» یک کلمه بی معنی است، یک مسلمان راستین هرگز تحصیل علمش پایان نمی‌پذیرد، همواره دانشجو است و طالب علم، حتی اگر برترین استاد شود.»^۶ علم مرز مکانی ندارد، تا چین و ثریا نیز باید در طلبش دوید».^۷



رحم

بی‌ارزش‌ترین دانش‌ها آن است که تنها بر زبان متوقف شود و پرازش‌ترین دانش‌ها آن است که در اعضا و ارکان بدن آشکار شود.

۱. دانش، میراثی گرانبه است.
۲. ای کمیل! علم از مال بهتر است (چرا که) علم، تو را پاسداری می‌کند ولی تو باید مال را پاسداری کنی.
۳. علم و دانش و حکمت گمشده مؤمن است، بنابراین حکمت را بگیر، هر چند از اهل نفاق باشد.

پیام

۱. حداقل علم، به زبان آوردن آن است و بالاترین مرتبه علم، تجلی و ظهور آن در اعضا و جوارح است.
۲. علم، میراثی ارزشمند برای آیندگان است.
۳. علم، میراث پیامبران است؛ مال حرام، میراث فرعونیان است.
۴. علم، دارنده خود را حفظ می‌کند؛ مال، نیازمند به نگهبان است.
۵. علم، هم ایمان انسان را و هم جسم و جان او را حفظ می‌کند.
۶. علم، گمشده مومن است و او مامور به دست آوردن آن است.
۷. یادگیری و طلب علم، مسیر بی‌پایان است.
۸. علم، به عنوان ابزاری برای تحول فردی و اجتماعی، پلی به سوی آینده‌ای روشن‌تر و سعادت‌مندانه‌تر است.

یادداشت



درس چهارم: نور و تاریکی در مسیر آگاهی

حفظ حکمت

لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ، وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ / ۴۰

خانواده حکمت

۱. نشانه جاهل و احمق: مِنَ الْخُرْقِ الْمُعَاجِلَةِ قَبْلَ الْإِمْكَانِ، وَ الْأَنَاءُ بَعْدَ

الْفُرْصَةِ / ۳۶۳

۲. نجات در سایه عقل: مَا اسْتَوْدَعَ اللَّهُ امْرَأً عَقْلًا، إِلَّا اسْتَنْقَذَهُ بِهِ يَوْمًا مَا / ۴۰۷

۳. بهره‌مندی از فرصت اندک: نَفْسُ الْمَرْءِ، خُطَاهُ إِلَى أَجَلِهِ / ۷۴

سر

گر دهی صد ملک بی تشویش را

می‌فروشم کی حیات خویش را

سخن بزرگان

امام خمینی (ره)، درباره مراقبت از زبان چنین می‌فرماید: «رابطه روح و باطن با قوای ظاهری به قدری است که هر یک از آن دو از یکدیگر متأثر می‌باشند و کمال و نقص هر یک به دیگری منتقل می‌شود، از این رو سخنان لغو و بیهوده برای انسان بسیار مضر و نفس را از صفا و سلامت ساقط می‌کند و حلاوت عبادت از ذائقه روح می‌گیرد و ایمان را ضعیف و دل را می‌میراند؛ لذا اگر کسی بخواهد از سلامت نفس برخوردار شود و عیوب و کاستی‌هایش پوشیده بماند، باید کمتر سخن بگوید و بیشتر خاموش باشد».



رحم

زبان عاقل پشت قلب او قرار دارد در حالی که قلب احمق پشت زبان اوست!

۱. عجله کردن پیش از فراهم شدن امکانات، و از دست دادن امکانات و سستی کردن پس از فرصت، از حماقت و نادانی است.
۲. خداوند هیچ نوع عقلی را در وجود کسی به ودیعت ننهاده جز این که روزی بوسیله آن او را نجات خواهد داد.
۳. نفس‌های انسان گام‌های او به سوی پایان زندگی و مرگ است.

پیام

۱. انسان عاقل، عاقبت اندیش است.
۲. انسان احمق، همواره گرفتار بی تدبیری است.
۳. عجله کردن قبل از زمان مقرر و درنگ کردن بعد از فرصت، نشانه جهالت و حماقت است.
۴. از بهترین ودیعه‌های الهی برای بشریت عقل است.
۵. عقل، مامور خدا برای نجات یافتن از گرفتاری در تنگناها و سختی‌ها است.
۶. از شاخصه‌های انسان عاقل، دوری از گناه و معصیت خداوند خالق است.
۷. عقل نه تنها ابزاری برای درک و فهم، بلکه چراغی است که مسیر صحیح زندگی انسان را روشن می‌کند.
۸. قبل از آنکه فرصت از دست برود، باید از لحظات زندگی برای خودسازی و رشد خود بهره جست.

یادداشت



درس پنجم: حلم و خویشتنداری

حفظ حکمت

الحِلْمُ عَشِيرَةٌ / ۴۱۸

خانواده حکمت

۱: نخستین پاداش حلم: **أَوَّلُ عَوْضِ الْحَلِيمِ مِنْ حِلْمِهِ، أَنَّ النَّاسَ أَنْصَارُهُ عَلَى الْجَاهِلِ / ۲۰۶**

۲: تمرین کظم غیظ: **إِنْ لَرَّ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ، فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ / ۲۰۷**

۳: پوشش امن: **الحِلْمُ غِطَاءٌ سَاتِرٌ... فَاسْتُرْ حَلَلَ خُلُقِكَ بِحِلْمِكَ... / ۴۲۴**

معر

تیغ حلم از تیغ آهن تیزتر

بل ز صد لشکر ظفرانگیزتر

سخن زرگان

در مورد حلم و صبر چنین وارد شده است: «حلم یکی از هفت صفت اصلی روح است که صفات دیگر از آن‌ها ناشی می‌شوند، چنان‌که حلم منشأ وقار، حیا و تحمل آزار و اذیت دیگران است.»^{۱۱} همچنین آیت‌الله بهجت در این باره می‌فرماید: «ما باید در تحصیل صبر و حلم و تواضع، سعی کنیم؛ و از این که دیگران از ترس، به ما احترام بگذارند، احتراز کنیم.»^{۱۲}



حلم همچون يك قوم و قبیله است (در یاری کردن انسان در مقابل سفیهان).

۱. نخستین نتیجه ای که شخص بردبار از بردباری خود می برد این است که مردم در برابر جاهل و نادان از وی حمایت خواهند کرد.
۲. اگر حلیم و بردبار نیستی خود را به بردباری وادار کن (و همانند حلیمان عمل کن) زیرا کمتر شده است کسی خود را شبیه قومی کند و سرانجام از آنان نشود.
۳. حلم پرده ای است ساتر بنابراین، عیوب اخلاقی خود را با حلمت بیوشان.

۱. حلم و خویشتنداری، باعث مهار خشم؛ و خویشتنداری و خود مهارگری در قلمرو غضب است.
۲. حلم و خویشتنداری، موجب جلب یاری دیگران می شود.
۳. حلم و خویشتنداری، همچون طایفه ای، پشتیبان انسان است.
۴. حمایت انسان در مقابل جاهل، اولین پاداش بردباری است.
۵. نهادینه شدن صفت حلم و خویشتنداری تمرینی است، نه تزیینی.
۶. حلم و خویشتنداری، عاقلانه ترین کار در هنگام رویارویی با جاهلان است.
۷. حلم و خویشتنداری، مانع از ظهور رذایل اخلاقی است.
۸. حلم و خویشتنداری در مواجهه با ناملایمات، باعث حفظ آرامش، امنیت و کسب اعتماد دیگران می شود.

یادداشت



درس ششم: کنترل نفس در مسیر کمال

حفظ حکمت

التَّقَى، رَيْسُ الْأَخْلَاقِ / ۴۱۰

خانواده حکمت

۱. **حیاء عقل:** أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِذْ أَنْتُمْ سَمِعَ، وَإِنْ أَضْمَرْتُمْ عَلِمَ... / ۲۰۳

۲. **حداقل تقوا:** اتَّقِ اللَّهَ بَعْضَ التَّقَى وَإِنْ قَلَّ، وَاجْعَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ سِتْرًا وَإِنْ رَقَّ / ۲۴۲

۳. **نهایت بزرگواری:** ... وَ لَا كَرَمَ كَالْتَّقَوَى... / ۱۱۳

معر

چيست تقوا ترك شبهات از حرام

از لباس و از شراب و از طعام

سخن بزرگان

آیت الله وحید خراسانی، درباره رعایت تقوا و اطاعت از خداوند می‌فرماید: «تقوا انسان را از گناه می‌رهاند و انسان باید در همه حال تقوای الهی را رعایت کند. باید در مقام عمل مطیع خداوند باشیم و با تقوا خود را به قرب الهی برسانیم چرا که تقوا نورانیتی دارد که انسان را به کمال و سعادت رهنمود می‌سازد. در همه امور باید از خدا بترسیم و هر کس از خدا در زندگی بترسد بر تقوایش افزوده خواهد شد.»^{۱۱}



پرهیزکاری، رئیس صفات پسندیده است.

۱. ای مردم! از خدایی بترسید که اگر سخنی بگویید می شنود و اگر چیزی را در دل پنهان دارید می داند.
۲. تقوا و پرهیزکاری پیشه کن هر چند کم باشد و میان خود و خدا پرده ای قرار ده هر چند نازک باشد.
۳. هیچ کرامتی چون تقوی نیست.

۱. تقوا، به معنای خویشتنداری در برابر امور زیان رسان است.
۲. تقوا، اساس زندگی انسان‌های سعادت‌مند است.
۳. تقوا و پرهیز از گناه، در راس همه ارزش‌ها و فضائل اخلاقی است.
۴. تقوا دو ساحتی است (انجام واجبات و ترک محرمات)؛ یعنی هم ترمز و هم گاز، نیاز است.
۵. فهم و درک جایگاه خود در نظام هستی، یکی از خود آگاهی‌های مهم است.
۶. خداوند عالم به همه چیز است، هر چند نجوای خاموش باشد.
۷. عالم محضر خداست، در محضر خدا گناه ممنوع است.
۸. عاقل، همه پل‌های پشت سرش را ویران نمی‌کند و حداقل ارتباطی با خدا باقی می‌گذارد.

یادداشت



درس هفتم: خودشیفتگی و دام‌های نفس

حفظ حکمت

عُجِبُ الْمَرْءَ بِنَفْسِهِ، أَحَدُ حُسَادِ عَقْلِهِ / ۲۱۲

خانواده حکمت

۱. وحشتناک ترین تنهائی: ... وَ لَا وَحْدَةَ أَوْحَشُ مِنَ الْعُجْبِ... / ۱۱۳
۲. بدترین گناه: سَيِّئَةٌ تَسُوءُكَ، خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ / ۴۶
۳. مانع رشد: الْأَعْجَابُ يَمْنَعُ الْإِزْدِيَادَ [مِنَ الْإِزْدِيَادِ] / ۱۶۷

معر

غره مشو به نعمت و دل در جهان میند

از فخر ملک و نعمت او اعتبار گیر

سخن بزرگان

امام خمینی (ره) درباره تکبر و غرور چنین می‌فرماید: «سبب اصلی تکبر جهل و نادانی است؛ زیرا شخص متکبر نسبت به حقیقت نفس خود و نقص آن غافل است و گاهی شخص به سبب حب نفس، دیگران را ناقص و پایین تر از خود می‌بیند؛ از این رو تکبر، مبدأش خودخواهی، غفلت از حق و مظاهر اوست و غایتش خودنمایی و سرکشی و طغیان است.»^{۱۷}



رحم

- خودپسندی انسان یکی از حسودان عقل اوست.
۱. و هیچ تنهایی و حشمتناک تر از عجب و خودبینی، نیست.
 ۲. کار بدی که تو را ناراحت (و پشیمان) می سازد نزد خدا بهتر است از کار نیکی که تو را مغرور می کند.
 ۳. خودپسندی مانع (بزرگ) ترقی است.

پیام‌ها

۱. شناخت رذائل اخلاقی، از عوامل مهم برای درمان آن‌هاست.
۲. خودپسندی سبب تنهایی است، چون مردم از افراد خود خواه متنفرند.
۳. نقطه مقابل خودپسندی، تواضع و فروتنی است که سبب رشد روز افزون است.
۴. گناهی که با توبه باشد، بهتر از کار نیکی است که سبب خودپسندی شود.
۵. گناه با توبه سبب رشد، اما خودپسندی زمینه‌ساز سقوط است.
۶. از جمله پیامدهای خودپسندی، عدم رشد و پیشرفت است.
۷. از دیگر پیامدهای خودپسندی، زائل شدن و از بین رفتن فرد است.
۸. خودپسندی، سبب بزرگ شمردن نقاط مثبت و کوچک شمردن نقاط ضعف است.

یادداشت



درس هشتم: خودسازی و ارتقاء نفس

حفظ حکمت

مَا لِابْنِ آدَمَ وَالْفَخْرِ؟ أَوْلُهُ نُطْفَةٌ وَ آخِرُهُ حَيْفَةٌ، وَ لَا يَرْزُقُ نَفْسَهُ وَ لَا يَدْفَعُ حَتْفَهُ / ۴۵۴

خانواده حکمت

۱. فروتنی: طُوبَى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ، وَ طَابَ كَسْبُهُ، وَ صَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ، وَ حَسَنَتْ خَلِيقَتُهُ... / ۱۲۳

۲. سود و زیان: مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رَيْحًا، وَ مَنْ عَقَلَ عَنْهَا خَسِرَ... / ۲۰۸

۳. اصلاح خویشتن: مَنْ نَظَرَ فِي عَيْبِ نَفْسِهِ اشْتَغَلَ عَنِ عَيْبِ غَيْرِهِ... / ۳۴۹

معر

ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی

تا رهرو نباشی کی راهبر شوی

سخن بزرگان

علامه حسن زاده، درباره اهمیت خودسازی چنین می‌فرماید: «انسان کاری مهم تر از خودسازی ندارد و ساختن هر چیز را مایه به حساب آن چیز لازم است. مثلاً دیوار را سنگ و گل باید و انسان را علم و عمل. انسان تا به لقاء الله نرسیده به کمال مطلوبش نائل نشده است و لقاء الله به معنی اتصاف انسان به اوصاف الهی و تخلق او به اخلاق ربوبی است.»



رحم

- انسان را با تکبر چه کار؟ در آغاز، نطفه بی ارزشی بود و سرانجام مرداری (گندیده) است. نمی تواند خود را روزی دهد و نه مرگ را از خود دور سازد.
- خوشا به حال کسی که در نزد خود کوچک (و متواضع) است و کسی که کسب و کار او طیب و حلال باشد و باطنش پاک و صالح، و کسی که اخلاق او نیکو باشد.
 - هر کس به حساب خود برسد سود می برد و آن کس که غافل بماند زیان می بیند.
 - هر کس به عیب خود بنگرد از عیب جویی دیگران باز می ماند.

پيام

- خودشناسی، قدم اول خودسازی است.
- توجه به کاستی و ضعفها، مانع از فخر فروشی و تکبر است.
- معرفت به خداوند، از رهگذر خودشناسی می گذرد.
- مومن، درونش پاکیزه از آلودگیها و کسب و کارش طبق دستور خداوند است.
- از ویژگیهای مومن، حسابگری مستمر از خویشتن است.
- محاسبه نفس، به هر نوع حسابرسی گفته نمی شود، بلکه هدفمند و در مسیر جلب رضای الهی است.
- ارزیابی و بازنگری اعمال در دنیا پیش از حساب روز قیامت، نشانه ای از خردمندی است.
- نگاه به عیبهای خویش و تمرکز بر اصلاح آنها، مانع از قضاوت کردن دیگران است.

یادداشت



درس نهم: گشوده مومن

حفظ حکمت

إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ، فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ [الْحِكْمَةِ] الْحِكْمِ/ ۹۱

خانواده حکمت

۱. جستجوی نور در تاریکی: الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ أَهْلِ

النِّقَاقِ/ ۸۰

۲. عواقب اطمینان پوشالی و بی‌مبنا: مَنْ تَرَكَ قَوْلَ لَا أَدْرِي، أُصِيبَتْ مَقَاتِلُهُ/ ۸۵

۳. پرسش حقیقی: سَلْ نَفْقَهَا، وَ لَا تَسْأَلْ تَعْتَنَّا.../ ۳۲۰

معر

با دانش است فخر، نه با ثروت و عقار

تنها هنر تفاوت انسان و چارپاست

حسن زرگان

علامه حسن زاده، درباره حکمت چنین می‌فرماید: «معرفت نفس اینکه خداوند سبحان فرمود: اليه يصعد الكلم الطيب و العمل الصالح يرفعه تفسیر اصیل آن چنانست که جناب صدرالمتالهین در آخر مرحله چهارم حکمت متعالیه که معروف به اسفار است فرموده است: کلمه طیب روح مؤمن است، و عمل صالح معارف عقلیه که او را ارتقاء می‌دهند و بدانجا می‌کشانند. این تفسیر براین اساس است که علم و عمل دو گوهر انسان سازند».



این قلب‌ها همچون بدن‌ها ملول و افسرده می‌شوند برای رفع ملالت آن‌ها لطائف حکمت آمیز را انتخاب کنید.

۱. علم و دانش و حکمت گشوده مؤمن است، بنابراین حکمت را بگیر، هرچند از اهل نفاق باشد.

۲. کسی که جمله «نمی‌دانم» را ترك کند مواضع آسیب پذیر خود را در معرض ضربه‌های خطرناک (مخالفتان) قرار داده است.

۳. همواره برای کسب آگاهی پرسش کن، نه برای ایجاد زحمت.

۱. روح هم مثل بدن خسته می‌شود.

۲. یکی از بهترین آرامش دهنده‌های روح، سخنان زیبای حکمت آمیز است.

۳. هر انسانی برای ادامه مسیر علمی یا اجتماعی خود، نیازمند برنامه‌ریزی است.

۴. حکمت گشوده مومن هست؛ شخص حکیم در زندگی بهترین تصمیم را اتخاذ می‌کند.

۵. اقرار به نادانسته‌های خود، سازنده‌ترین مقدمه برای کسب علم و دانایی است.

۶. پرهیز و دوری کردن از اهل علم و دانش، سبب می‌شود انسان در معرض خطر قرار گیرد.

۷. پرسشگری، ابزاری قدرتمند برای یادگیری و رشد است.

۸. سوال کردن باید به نیت یادگیری و درک بهتر باشد، نه آزار یا ایجاد مشکل برای دیگران.

یادداشت

.....

.....

.....

.....



درس دهم: پالایش روح

حفظ حکمت

عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ، وَ مَعَهُ الْإِسْتِعْفَارُ/ ۸۷

خانواده حکمت

۱. خیر دنیا: ... لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِرَجُلَيْنِ، رَجُلٍ أَذْنَبَ ذُنُوبًا فَهُوَ يَتَدَارَكُهَا بِالتَّوْبَةِ، وَ رَجُلٍ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ/ ۹۴

۲. قدرت توبه: ... لَا شَفِيعَ أَنْجَحَ مِنَ التَّوْبَةِ.../ ۳۷۱

۳. دو امان گران بها: ... كَانَ فِي الْأَرْضِ أَمَانَانِ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ... فَتَمَسَّكُوا بِهِ؛ ... وَ أَمَّا الْأَمَانُ الْبَاقِي فَالْإِسْتِعْفَارُ.../ ۸۸

معر

از باده توبه کردن مشکل بود، وگرنه

سهل است دست شستن، از آب زندگانی

سخن زرگان

آیت الله مکارم شیرازی درباره جایگاه توبه چنین می فرماید: «برای پایان دادن به بدبختی ها و ناکامی ها باید فوراً به جستجوی نقطه های ضعف خویشتن بپردازیم، و آن ها را با آب توبه و بازگشت به سوی حق از دامان روح و جان خود بشوییم، تولدی تازه پیدا کنیم و نور و حرکتی جدید، تا در پرتو آن بتوانیم ناکامی ها و شکست ها را به پیروزی مبدل سازیم.»^{۲۳}



رحم

- در شگفتی از کسی که نومی می شود در حالی که استغفار با اوست.
۱. دنیا فقط برای دوکس خوب است: کسی که گناهی کرده می خواهد با توبه جبران کند و کسی که با سرعت به سراغ کارهای خیر می رود.
 ۲. هیچ شفیع نجات بخش تر از توبه نیست.
 ۳. در زمین دو امان (دو وسیله نجات) از عذاب الهی بود و به آن چنگ زنید، و امانی که باقی مانده «استغفار» است.

پیام

۱. استغفار از مفاهیم بلند دین اسلام است که اشاره به عمق رحمت الهی دارد.
۲. وجود استغفار برای بنده، نشان دهنده این است که خداوند همیشه آماده بخشیدن است.
۳. همواره باید به خاطر داشت که فرصت برای تغییر وجود دارد پس نباید نا امید شد.
۴. استغفار، الهام بخش پایداری در سختی ها و مواجهه با چالش هاست.
۵. توبه فرصت دوباره و یادآور جمله (روز از نو، روزی از نو) است.
۶. خداوند همواره راه نجاتی را قرار داده، استغفار یکی از آن هاست.
۷. توبه یکی از بزرگترین وسیله های نجات و رهایی از گناهان و مشکلات است.
۸. انجام توبه واقعی، قلم عفو بر گناهان و سبب آرامش انسان است.

یادداشت





فصل دوم: اخلاق و معنویت

این فصل به بررسی مفاهیم اخلاقی و معنوی، ارزش‌های دینی، و ارتباط انسان با خداوند می‌پردازد. هدف اصلی این فصل، ارتقاء سطح معنویت و اخلاق فردی و اجتماعی مخاطب است.



درس یازدهم: استقامت در مسیر زندگی
درس دوازدهم: درس‌های زندگی از تجربه‌های کوچک
درس سیزدهم: عبور از شعار تا تحقق باورها
درس چهاردهم: شکاف میان نیت و عمل
درس پانزدهم: واقع بینی در سپهر هستی
درس شانزدهم: آسایش دو گیتی
درس هفدهم: پیشوایان راه بلد
درس هجدهم: قدردانی آگاهانه از نعمات الهی
درس نوزدهم: گفتگوی صمیمانه با خالق هست
درس بیستم: رهایی از وابستگی تا وارستگی



درس یازدهم: استقامت در مسیر زندگی

حفظ حکمت

مَنْ لَمْ يُنْجِهِ الصَّبْرُ، أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ/ ۱۸۹

خانواده حکمت

۱. سرآمد فضیلت‌ها: ... وَ عَلَيْنَكُم بِالصَّبْرِ، فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرُّأْسِ مِنَ

الْجَسَدِ... / ۸۲

۲. ارکان ایمان: وَ سُئِلَ عَنِ الْإِيمَانِ، فَقَالَ الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمَ: عَلَى الصَّبْرِ وَ الْبَقِيَّةِ وَ الْعَدْلِ وَ الْجِهَادِ... / ۳۱

۳. عاقبت بزرگ‌نمائی مشکلات کوچک: مَنْ عَظَّمَ صِغَارَ الْمَصَائِبِ، ابْتَلَاهُ اللَّهُ

بِكِبَارِهَا/ ۴۴۸

معر

یوسف از صبر به یعقوب رسید

صحت از صبر به ایوب رسید

مقام معظم رهبری، درباره صبر و استقامت چنین می‌فرماید: «صبر یعنی چه؟ صبر به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و انتظار نتایج و حوادث را کشیدن نیست؛ صبر یعنی ایستادگی کردن، مقاومت کردن، محاسبات درست خود را و محاسبات دقیق خود را تغییر ندادن؛ صبر یعنی پیگیری اهدافی که برای خودمان ترسیم کرده‌ایم؛ صبر یعنی با روحیه حرکت کردن و ادامه دادن؛ این معنای صبر است. اگر چنانچه این ثابت‌قدم بودن و مقاومت کردن، با عقل و تدبیر و مشورت همراه بشود - همچنان که در قرآن هست «أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» - قطعاً پیروزی نصیب خواهد شد».



رحم

کسی که صبر و شکیبایی او را نجات ندهد، بی تابی او را از پای در می آورد.

۱. بر شما باد که صبر و استقامت پیشه کنید، زیرا صبر و استقامت در برابر ایمان همچون سر است.

۲. درباره ایمان سؤال شد فرمود: ایمان بر چهار پایه استوار است: بر «صبر» و «یقین» و «عدالت» و «جهاد».

۳. کسی که مصیبت‌های کوچک را بزرگ شمارد، خداوند او را به مصائب بزرگ مبتلا می سازد.

پیام

۱. صبر، به معنای مقاومت و ثبات قدم و پایداری است.

۲. نجات در سایه صبر؛ و هلاکت در سایه بی تابی است.

۳. با تمرین صبر در برابر مصیبت‌های کوچک، می توان خود را برای تحمل چالش‌های بزرگ تر مهیا کرد.

۴. استعاره صبر به انسان، از نوع استعاره شخصیت بخشی است.

۵. جایگاه صبر نسبت به ایمان، مانند جایگاه سر نسبت به بدن است.

۶. اولین و مهم ترین رکن در ایمان، صبر است.

۷. بی تابی در مصیبت‌های کوچک، سبب گرفتار شدن به مصیبت‌های بزرگ است.

۷. صبر با سختی‌ها می جنگد، بی تابی به سختی‌ها می افزاید.

۸. صبر و جزع ضد هم هستند، هر کدام غلبه کند سعادت یا شقاوت را رقم

می زند.

یادداشت



درس دوازدهم: درس‌های زندگی از تجربه‌های کوچک

حفظ حکمت

لَا تَسْتَحِ مِنْ إِعْطَاءِ الْقَلِيلِ، فَإِنَّ الْحَرَمَانَ أَقَلُّ مِنْهُ/ ۶۷

خانواده حکمت

۱. کم، ولی بسیار: اَفْعَلُوا الْخَيْرَ وَ لَا تَحْقِرُوا مِنْهُ شَيْئًا، فَإِنَّ صَغِيرَهُ كَبِيرٌ وَ قَلِيلُهُ كَثِيرٌ/ ۴۲۲

۲. ارزش اعمال: لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى، وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَّلُ/ ۹۵

۳. انگیزه بخشش: مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ، جَادَ بِالْعَطِيَّةِ/ ۱۳۸

سمر

هرگه که دل به عشق دهی خوش دمی بود

در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست

سخن زرگان

شهید سلیمانی، تمام وجود و زندگی خود را در راه خدمت و کمک و نیکی به مردم ایران بذل و بخشش کرد. چنانکه در وصیت‌نامه خود چنین نگاشته است: «من شما را از پدر و مادرم و فرزندان و خواهران و برادران خود بیشتر دوست دارم، چون با شما بیشتر از آن‌ها بودم؛ ضمن اینکه من پاره تن آن‌ها بودم و آن‌ها پاره وجود من. اما آن‌ها هم قبول کردند من وجودم را نذر وجود شما و ملت ایران کنم».



رحم

- از بخشش کم حیا مکن، زیرا محروم کردن، از آن هم کمتر است.
۱. کار نیک انجام دهید و هیچ مقدار از آن را کم بشمارید چرا که کوچک آن بزرگ و کمش بسیار است.
 ۲. عملی که توأم با تقوا است کم نیست (هرچند ظاهراً کم باشد)، چگونه عملی که مقبول درگاه خداست کم است؟!
 ۳. کسی که یقین به پاداش دارد در بخشش، سخاوتمند است.

پیام

۱. فرصت نیکوکاری، هدیه الهی است که نباید از دست داد.
۲. کوچکی و بزرگی عمل، مهم نیست، مهم نیکو بودن عمل است.
۳. بخشش کم، نباید بهانه ترک کار خیر شود.
۴. محروم کردن نیازمند، دست رد به دروازه است او و نوعی بی احترامی است.
۵. کار خیر، حتی کوچک آن سرنوشت‌ساز است.
۶. کار خیر به نیت اطاعت فرمان خداوند، ارزشمند و بزرگ است.
۷. نیت کار خیر، سبب ارزش‌دهی به اعمال است، چون پذیرفته می‌شود.
۸. ایمان و یقین به عوض و وعده‌های الهی، سخاوتمندی می‌آورد.

یادداشت



درس سیزدهم: عبور از شعار تا تحقق باورها

حفظ حکمت

الدَّاعِي بِلَا عَمَلٍ، كَالرَّامِي بِلَا وَتَرٍ/ ۳۳۷

خانواده حکمت

۱. جدایی حرف و عمل: يَقُولُ فِي الدُّنْيَا بِقَوْلِ الزَّاهِدِينَ، وَيَعْمَلُ فِيهَا بِعَمَلِ

الرَّاغِبِينَ/ ۱۵۰

۲. عدم تعادل در رفتار: يُحِبُّ الصَّالِحِينَ وَلَا يَعْمَلُ عَمَلَهُمْ، وَيُبْغِضُ الْمُنْذِرِينَ وَهُوَ

أَحَدُهُمْ/ ۱۵۰

۳. نان به نرخ روز خور: إِنْ أَصَابَهُ بَلَاءٌ دَعَا مُضْطَرًّا، وَإِنْ نَالَهُ رَخَاءٌ أَعْرَضَ

مُعْتَرًّا/ ۱۵۰

سمر

ای درونت برهنه از تقوی کز برون جامه ریا داری

برده هفت رنگ در مگذار تو که در خانه بوریا داری

سخن بزرگان

مقام معظم رهبری، درباره اهمیت عملگرایی چنین می فرماید: «بهترین حرف زدن ها،

بهترین گفتن ها، گفتن با عمل است، حرف زدن با عمل. ^{۲۹} از نظر اسلام، ایمان مجرد

از عمل، یک حداقل است. ایمان کامل و ایمان حقیقی آن ایمانی است که با جهاد در

^{۳۰} میدان عمل همراه باشد.»



رحم

- آنکس که مردم را (به نیکی‌ها) فرا می‌خواند؛ ولی خود به آن عمل نمی‌کند مانند کمانداری است که با کمان بدون زه می‌خواهد تیراندازی کند.
- درباره دنیا همچون زاهدان سخن می‌گوید؛ ولی در آن همچون دنیاپرستان عمل می‌کند.
 - صالحان را دوست دارد ولی عمل آن‌ها را انجام نمی‌دهد و گنهکاران را دشمن می‌شمارد ولی یکی از آن‌هاست.
 - اگر بلایی به وی برسد همچون بیچارگان دست به دعا بر می‌دارد و اگر وسعت و آرامشی به او دست دهد با غرور از خدا روی گردان می‌شود.

ایمان

- دعوت کننده بدون عمل، مثل تیراندازی بدون زه است.
- از ردائل اخلاقی، نفاق و دورویی است.
- مومن، یک رنگ و ثبات شخصیت دارد.
- جدایی حرف و عمل، از نشانه‌های منافق است.
- ضعف در ایمان، سبب تناقض در فکر و عمل است.
- ملاک شناخت افراد، عمل آن‌هاست نه سخنان زیبای آنان.
- در فرهنگ اسلام، معیار ایمان، عمل صالح است.
- مصیبت و رفاه، هر دو امتحان الهی است.

یادداشت

.....

.....

.....

.....



درس چهارم: شکاف میان نیت و عمل

حفظ حکمت

كَفَاكَ آدَبًا لِنَفْسِكَ، اجْتَنَابُ مَا تَكْرَهُهُ مِنْ غَيْرِكَ / ۴۱۲

خانواده حکمت

۱. جدایی حرف و عمل: بهترین ارت: ... وَ لَا مِيرَاثَ كَالْآدَبِ ... / ۱۱۳
۲. ادب، لباس همیشه نو: ... وَ الْآدَابُ حُلٌّ مُجَدَّدَةٌ ... / ۵
۳. مانع ادب ورزی: أَكْبَرُ الْعَيْبِ، أَنْ تَعَيْبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ / ۳۵۳

سر

از خدا جوئیم توفیق ادب

بی ادب محروم گشت از لطف رب

سخن بزرگان

آیت الله جوادی آملی، درباره رعایت ادب چنین می فرماید: «دین به ما فرمود تا می توانید، ادیبانه و ظریفانه سخن بگویید. حرف تلخ ننزید! حرف تند ننزید! نه در داخله منزل، نه در خارج منزل، کاری و حرفی و نوشتنی که بعد پشیمانی می آورد، آن کار را نکنید! این را صریحاً در قرآن فرمود احترام یکدیگر را حفظ بکنید! کرامت یکدیگر را حفظ بکنید.»



- برای اصلاح خویشتن همین بس که از آنچه برای دیگران نمی پسندی اجتناب ورزی.
- هیچ میراثی به پای ادب نمی رسد.
 - آداب (انسانی)، لباس زیبا و کهنگی ناپذیر است.
 - بزرگترین عیب آن است که آنچه را در خود نوست برای دیگران عیب بشماری.

- ادب، عبارتست از خوی خوش، ظرافت عمل و حفظ حد و اندازه هر چیزی و تجاوز نمودن از آن.
- تواضع و فروتنی و نیز احترام به افراد در گفتار و رفتار، ادب محسوب می شود.
- بهترین راه ادب ورزی، اجتناب از چیزی است که آن را از سوی دیگران بد می دانید.
- ادب، سرمایه است و به ارث گذاشته می شود؛ پس ادب، بهترین ارث والدین برای فرزندان است.
- ادب و اخلاق نیکو، چون لباس همیشه زیبا و نو است.
- بزرگترین عیب، عیب شمردن چیزی است که شبیه آن در خود انسان است.
- لازمه متخلق شدن به ادب و اخلاق نیک، تمرین و استمرار آن است.
- احکام خداوند، مودب هستند یعنی ادب یاد می دهند (ادب مع الله، مع الناس و مع النفس).

یادداشت

.....

.....

.....

.....



درس پانزدهم: واقع بینی در سپهر هستی

حفظ حکمت

مَرَارَةُ الدُّنْيَا، حَلَاوَةُ الْآخِرَةِ؛ وَ حَلَاوَةُ الدُّنْيَا، مَرَارَةُ الْآخِرَةِ/ ۲۵۱

خانواده حکمت

۱. آرامش در سایه شناخت: الدُّنْيَا دَارٌ مَرٌّ، لَا دَارَ مَقَرٌّ.../ ۱۳۳

۲. حال اهل دنیا: أَهْلُ الدُّنْيَا كَرَكِبٍ يُسَارُّ بِهِمْ، وَ هُمْ نِيَامٌ/ ۶۴

۳. نشانه جهالت: الرُّكُونُ إِلَى الدُّنْيَا مَعَ مَا تُعَايِنُ مِنْهَا جَهْلٌ.../ ۳۸۴

عمر

بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین

کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس

سخن زرگان

آیت الله جوادی، در توضیح روایت الناس نیام (این روایت بر روی سنگ قبر اسلام شناس آلمانی آن ماری شیمیل در قبرستان بُن المان نقش بسته است) چنین آورده: «بسیاری از مردم گمان می کنند داشته هایی برای خود دارند؛ اما در هنگام مرگ می فهمند که هیچ ندارند. همان گونه که انسان خوابیده چیزهای بسیاری را در خواب می بیند و پس از آن بیداری، هیچ یک از آن ها را نمی بیند.»^{۳۵}



رحم

تلخی دنیا شیرینی آخرت است و شیرینی دنیا تلخی آخرت.

۱. دنیا، سرای عبور است نه سرای اقامت.
۲. اهل دنیا همچون کاروانیانی هستند که آنان را به سوی مقصدی می برند و آن‌ها در خوابند.
۳. اعتماد به دنیا با وجود آنچه با چشم خود از (تحولات و دگرگونی‌های) آن مشاهده می‌کنی جهل و نادانی است.

پیام

۱. خوشبختی در آخرت، نتیجه سختی در دنیا است.
۲. تشبیه دنیا به پل، یعنی باید از آن گذشت.
۳. شناخت دنیا، زمینه بهره‌برداری صحیح را فراهم می‌کند.
۴. حال اهل دنیا، چون سوارکارانی در خوابند بدون مقصد مشخص.
۵. اعتماد به دنیا، علی‌رغم مشاهده تحولات سریع و زودگذر، جهل است.
۶. دل بستن به دنیا، سبب غفلت است.
۷. هر امتحانی کارنامه‌ای دارد، آخرت کارنامه دنیاست.
۸. دنیا محل زندگی است، اما سرای اقامت و دل‌بستگی نیست.

یادداشت



درس شانزدهم: آسایش دو گیتی

حفظ حکمت

أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ الْمُهَاطَةَ لِأَهْلِهَا؟ إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ مَنَ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَلَا تَتَّبِعُوهَا إِلَّا بِهَا/ ۴۵۶

خانواده حکمت

۱. اصلاح رابطه‌ها: مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّاسِ؛ وَ مَنْ أَصْلَحَ أَمْرَ آخِرَتِهِ، أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ... / ۸۹

۲. اصلاح درون: مَنْ أَصْلَحَ سَرِيرَتَهُ، أَصْلَحَ اللَّهُ عَلَانِيَتَهُ؛ وَ مَنْ عَمَلَ لِدِينِهِ، كَفَاهُ اللَّهُ أَمْرَ دُنْيَاهُ... / ۴۲۳

۳. مسیر سعادت: ...إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُدْخِلُ بِصِدْقِ النَّيَّةِ وَ السَّرِيرَةِ الصَّالِحَةِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ الْجَنَّةَ / ۴۲

معر

آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت، با دشمنان مدارا

حسن زرگان

علامه حسن زاده، معتقد بود: «ما در عالم، کاری مهم‌تر از «خودسازی» نداریم و تمام امور، برای آن است که خودمان را درست بسازیم». ^{۳۷} به طوری که «مهمترین صنوع و هنر انبیا، آدم‌سازی و تشکیل مدینه فاضله انسانی است». ^{۳۸} «همه انبیا و اولیای الهی برای تزکیه و تعلیم و تأدیب آمده‌اند. ارسال رُسل و انزال کتاب، برای همین است». ^{۳۹} «تمام این حرف‌ها، تلاوت قرآن، نماز شب، نمازهای یومیه، صوم و صلوات، هر چه که هست، مطلقاً همه برای پرورش نفس ناطقه است که علم و عمل انسان بسازند و انسان شب و روز دارد خودش را می‌سازد و ما کاری مهم‌تر از خودسازی نداریم و این، هدف انسان بیدار است». ^{۴۰}



- آیا آزادمردی پیدا نمی شود که این ته مانده غذا را به اهلش واگذارد؟ بدانید وجود شما بهایی جز بهشت ندارد آن را به چیزی جز بهشت نفروشید.
۱. کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد، و کسی که امر آخرتش را اصلاح کند خداوند امر دنیایش را اصلاح می کند.
 ۲. آن کس که درون و باطن خویش را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح می نماید و هرکس برای دین خود کار کند خداوند کار دنیایش را سامان می بخشد.
 ۳. خداوند سبحان کسانی را از بندگانش که بخواهد (و لایق بداند)، به موجب صدق نیت و پاکی باطن داخل بهشت می کند.

۱. شناخت دنیا انسان را از وابستگی به وارستگی می رساند.
۲. حقیقت حریت، رهائی از اسارت شهوات است.
۳. نفس و جان انسان، گران بهاست، بهای او بهشت است.
۴. رمز موفقیت در ارتباطات اجتماعی، در رابطه انسان با خداوند است.
۵. سامان یافتن امور دنیا، در گرو سامان دادن به امور آخرت است.
۶. عاقلانه زیستن، یعنی اصالت بخشی به زندگی واپسین.
۷. امدادهای الهی نصیب کسی می شود که باطن و درون خود را اصلاح کند.
۸. نگرانی و اضطراب لازم نیست، زیرا منابع غیرمنتظره ای از ناحیه خداوند در اختیار انسان قرار می گیرد.



درس هفدهم: پیشوایان راه بلد

حفظ حکمت

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ جَعَلَ الطَّاعَةَ غَنِيمَةً الْأَكْيَاسِ، عِنْدَ تَفْرِيطِ الْعَجَزَةِ/ ۳۳۱

خانواده حکمت

۱. نشانه مقربان: إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ نَظَرُوا إِلَى بَاطِنِ الدُّنْيَا إِذَا نَظَرَ النَّاسُ إِلَى ظَاهِرِهَا.../ ۴۳۲

۲. نشانه مومن: الْمُؤْمِنُ بِشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ.../ ۳۳۳

۳. شایسته ترین مردم: أَوْلَى النَّاسِ بِالْكَرَمِ، مَنْ عُرِفَتْ بِهِ الْكِرَامُ/ ۴۳۴

سر

مردان خدا پرده پندار دریدند

یعنی همه جا غیر خدا یار ندیدند

سخن زرگان

مرحوم علامه طباطبائی، در مورد مقربان درگاه الهی چنین توصیف می کند: «انسان‌های مقرب کسانی اند که از دیگران در راه بازگشت به سوی خدا پیشی گرفته‌اند. میان آنان و پروردگارش هیچ حجاب قلبی مانند گناه، جهل و شک نیست». ^{۴۲} مرحوم طبرسی نیز در توصیف مقربان نسبت به اطاعت از خدوند متعال می گوید: «آنان در دنیا به سوی اطاعت الهی، ایمان، هجرت، نمازهای پنج گانه، جهاد، توبه و اعمال نیک و هر آنچه خدا به سوی آن فرا خوانده است پیشی می گیرند». ^{۴۳}



رحم

خداوند سبحان، طاعت خود را غنیمت زیرکان قرار داده هنگامی که افراد ناتوان (و هوسباز) کوتاهی می‌کنند.

۱. اولیاء الله (دوستان واقعی خدا)، کسانی هستند که به باطن دنیا می‌نگرند آنگاه که مردم (دنیاپرست) به ظاهر آن نگاه می‌کنند.
۲. انسان باایمان، شادی اش در چهره و اندوهش در درون قلب اوست.
۳. شایسته ترین مردم به گرم، آن کسی است که افراد کریم به واسطه او شناخته شوند. (معرف کریمان، از همه کریم تر است).

پیام

۱. اطاعت خداوند، هدیه‌ای است الهی که به بندگان زیرک داده می‌شود.
۲. رنگ خدائی بندگان مقرب خدا، سبب چشمِ باطن بین آن‌هاست.
۳. بندگان خوب خدا، آنچه را که دیگران در آئینه نمی‌بینند، در خشت خام می‌بینند.
۴. ظاهر زیبای دنیا، بندگان خوب خداوند را از حقیقت دنیا باز نمی‌دارد.
۵. شادی در صورت و غم در دل، از نشانه‌های مومن است.
۶. از ویژگی‌های بندگان مقرب خداوند، شاخص بودن در کرامت و بزرگواری است.
۷. افراد ناتوان نه تنها اطاعت خدا نمی‌کنند، بلکه سرمایه اصلی (عمر) را نیز از دست می‌دهند.
۸. فرق مومن زیرک با گنهکار کاهل، در میدان عبادت و اطاعت خداوند متعال است.

یادداشت

.....

.....

.....

.....



درس هجدهم: قدردانی آگاهانه از نعمات الهی

حفظ حکمت

﴿ إِذَا وَصَلَتْ إِلَيْكُمْ أَطْرَافُ النَّعْمِ، فَلَا تُنْفَرُوا أَقْصَاهَا بِقَلَّةِ الشُّكْرِ/ ۱۳ ﴾

خانواده حکمت

۱. نشانه مقربان: **رمیدن نعمت‌ها**: اخذُوا نَفَارَ النَّعْمِ، فَمَا كُلُّ شَارِدٍ بِمَرْدُودٍ/ ۲۴۶

۲. توفیق شکرگزاری: ... وَ مَنْ أُعْطِيَ الشُّكْرَ لَمْ يُحْرَمِ الزِّيَادَةَ/ ۱۳۵

۳. زینت انسان: الْعَفَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ، وَ الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى/ ۶۸

معر

شکر قدرت قدرت افزون کند

جبر نعمت از کفت بیرون کند

سخن بزرگان

علامه طباطبائی، در مورد شکرگزاری چنین می‌نویسد: «حقیقت شکرگزاری ظاهر و آشکار کردن نعمت است. چنانکه حقیقت کفری که مقابل آن است مخفی کردن نعمت میباشد و ظاهر کردن نعمت عبارت از به کار گرفتن آن در محل خود، است؛ پس شکر خدا به این است که انسان نعمت را در محل خودش بکار برده و در موقع استفاده از آن نیز متذکر خدا بوده باشد».^{۴۵} **علامه جعفری**، نیز می‌فرماید: «شکر و سپاس، یکی از عالیترین عوامل سازنده روح انسانی است. آغاز چنین معرفت و عمل، آغاز تکامل انسانی و برقراری یک ارتباط معقول میان او و جهان هستی و هم‌نوعان خویش میباشد. در راه وصول به چنین مقام والا، نخستین معرفتی که نصیب انسان می‌گردد، این است که می‌فهمد که به هیچ وجه از خلاق هستی و فیض بخش کائنات، طلبکار نیست».^{۴۶}



رحم

هنگامی که مقدمات نعمت‌ها به شما روی آورد ادامه آن را به واسطه کمی شکرگذاری از خود دور نسازید.

۱. از فرار کردن (ورمیدن) نعمت‌ها بر حذر باشید که هر فراری بازمی‌گردد.
۲. و کسی که توفیق شکرگزاری پیدا کند از فزونی نعمت محروم نخواهد شد.
۳. خویشتن داری و عفت، زینت فقر و شکرگزاری، زینت غناست.

پيام

۱. نعمت الهی، چون پرنده‌ای است که باید در قفس شکر، نگهداری شود.
۲. همانگونه که شکر نعمت سبب فزونی است، کفر نعمت سبب ریمیدن نعمت است.
۳. نعمت‌ها و الطاف خداوند، تدریجی به انسان عطا می‌شوند.
۴. راه جلب نعمت‌های الهی، شکرگذاری خداوند است.
۵. نعمت‌ها، به سبب ناسپاسی، در معرض خطر زوال هستند.
۶. شکرگذاری به قلب (باور به صاحب نعمت)، زبان (الحمدالله) و عمل (بهره‌مندی در چارچوب الهی) است.
۷. هر چیزی زینتی دارد، زینت دارائی شکرگذاری است.
۸. آفت فقر، حاجت خواستن از مردم و آفت ثروت، ناسپاسی است.

یادداشت



درس نوزدهم: گفتگوی صمیمانه با خالق هستی

حفظ حکمت

مَا الْمُتَّبِلِي الَّذِي قَدِ اشْتَدَّ بِهِ الْبَلَاءُ، بِأَحْوَجِ إِلَى الدُّعَاءِ [مِنَ الْمُعَافَى] الَّذِي لَا يَأْمَنُ الْبَلَاءَ/ ۳۰۲

خانواده حکمت

۱. نشانه مقربان: ... مَنْ أُعْطِيَ الدُّعَاءَ لَمْ يُحْرَمِ الْإِجَابَةَ.../ ۱۳۵

۲. نشانه غفلت: لَا تَكُنْ مِّنْ.... فَهُوَ بِالْقَوْلِ مُدِلٌّ وَ مِنَ الْعَمَلِ مُقِلٌّ/ ۱۵۰

۳. دفع بلا: ... وَ ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِاللُّدْعَاءِ/ ۱۴۶

سمر

دلابسوز که سوز تو کارها بکند

دعای نیمه شبی دفع صد بلا بکند

سخن زرگان

دکتر الکسیس کارل، یکی از پزشکان معروف آمریکا که شهرت جهانی دارد، می گوید: «نیایش، وارستگی از خود یعنی شکل عالی تزکیه نفس است». «نیایش، پرواز روح به سوی خداست و نمودار کوشش انسان است برای ارتباط با آن وجود نامرئی، آفریدگار همه هستی». الکسیس می گوید: «اطلاعات کنونی ما درباره تأثیر فوری «نیایش» در شفای امراض، به شرح حال بیمارانی که از امراض گوناگونی چون: سبیل استخوانی و صفافی، دُمَل سرد سلی، زخمهای چرکین، سل پوستی، سرطان و غیره درمان یافته اند، متکی است. در حرفه پزشکی خود من، مردانی را دیده ام که پس از آن که تمام معالجات دیگر در حال آنان مؤثر واقع نشده بود به نیروی «دعا و عبادت» از بیماری و مالیخولیا رهایی یافتند». ^{۴۹} ^{۵۰}



رحم

آنکس که به شدت به بلا مبتلاست از کسی که مبتلا نیست ولی در هیچ لحظه ایمن از بلا نمی باشد، محتاج تر به دعا نیست.

۱. کسی که توفیق دعا یابد، از اجابت محروم نمی گردد.
۲. مباحث از کسانی که در گفتار به خود می نازد و در عمل بسیار کوتاهی می کند.
۳. و امواج بلا را با دعا از خود دور سازید.

پیام

۱. دعا، بهترین سلاح مومن است. ^{۵۱}
۲. دنیا، دار آزمایش است؛ گاهی با نعمت و گاهی با نعمت. ^{۵۲}
۳. دعا، مغز عبادت است و فقط اختصاص به زمان گرفتاری و مصیبت ندارد.
۴. توفیق دعا، از بهترین الطاف و هدیه های الهی است.
۵. گاهی حکمت خداوند اقتضاء می کند خواسته بنده با تاخیر به اجابت برسد.
۶. دعا همیشه اجابت شدنی است، البته گاهی در قیامت که اوج نیاز است.
۷. دعا نکردن در هنگام آسایش و آرامش، نشانه غفلت است.
۸. دعا هم رافع بلا و هم مانع گرفتاری است.

یادداشت



درس بیستم: رهایی از وابستگی تا وارستگی

حفظ حکمت

أَفْضَلُ الزُّهْدِ، إِخْفَاءُ الزُّهْدِ/ ۲۸

خانواده حکمت

۱. حقیقت زهد: الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: "لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ.../ ۴۳۹
۲. آرامش در گرفتاری ها: ... مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا اسْتَهَانَ بِالْمُصِيبَاتِ .../ ۳۱
۳. بالاترین مرتبه زهد: ... لَا زُهْدَ كَالزُّهْدِ فِي الْحَرَامِ .../ ۱۱۳

سر

زاهد غرور داشت سلامت نبرد راه

رند از ره نیاز به دارالسلام رفت

سخن بزرگان

مرحوم نراقی، در تعریف ماهیت زهد چنین فرموده است: زهد یعنی روی گردانیدن از دنیا برای آخرت و از غیر خداوند دل بریدن. از این تعریف برمی آید که اولاً، زهد نسبت به کسی صادق است که امکان تحصیل دنیا و برخورداری از آن را داشته باشد. ثانیاً، روی برتافتن او از دنیا به دلیل پستی و حقارت دنیا نسبت به آخرت باشد. هرگاه ترک دنیا به دلیل عدم امکان تحصیل آن و یا به هدفی غیر از رضایت خداوند و تحصیل آخرت باشد همانند جلب رضایت و محبت مردم و یا به علت فرار از سختی و مشقت تحصیل آن- به آن «زهد» گفته نمی شود. مقابل آن «رغبت» قرار دارد که به معنای میل به چیزی است.



رحم

برترین نوع پارسایی، مخفی داشتن پارسایی است.

۱. تمام زهد در دو جمله از قرآن مجید آمده است. خداوند سبحان می فرماید: «تا بر گذشته تأسف مخورید و به آنچه در دست دارید دلبسته و شادمان نباشید».
۲. کسی که زاهد و بی اعتنا به دنیا باشد، مصیبت‌ها را ناچیز می‌شمرد.
۳. هیچ زهد و پارسایی همچون بی اعتنایی به حرام نیست.

پیام

۱. زهد، وارستگی است و با تفاخر و خودنمائی سازگاری ندارد.
۲. حقیقت زهد دل نیستن به داشته‌هاست، حتی اگر غرق در نعمت باشد.
۳. تعریف زهد به عزلت و گوشه گیری، ظلم آشکار به این مفهوم بلند اخلاقی است.
۴. زاهد در همه عرصه‌ها حضور پر رنگ دارد، اما رنگ دنیا به خود نمی‌گیرد.
۵. مبنای زندگی انسان زاهد، اصالت‌بخشی به آخرت است.
۶. زهد، فقر و نداری نیست، بلکه بهره‌گیری صحیح از نعمت است.
۷. زهد، آستانه تحمل انسان را در برابر تلاطم امواج روزگار بالا می‌برد.
۸. از مراتب والای زهد، دوری از حرام‌های الهی و مقدم کردن خواسته خداوند بر هوای نفس است.

یادداشت



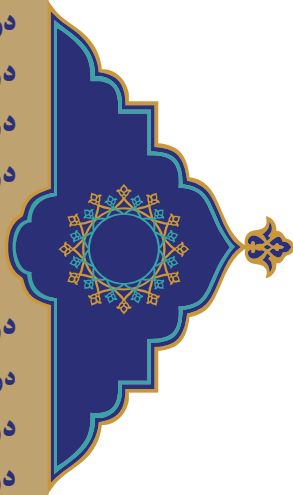


فصل سوم: مهارت‌های زندگی و ارتباطات موثر

این فصل بر توسعه مهارت‌های زندگی، مدیریت زمان، برقراری ارتباطات سالم و تعامل سازنده با دیگران تمرکز دارد. هدف اصلی این فصل، توانمندسازی مخاطب در مدیریت بهتر زندگی و روابط اجتماعی است.



درس بیست و یکم: برنامه ریزی برای فردائی بهتر
درس بیست و دوم: تسخیر فرصت های زندگی
درس بیست و سوم: هنر کلام و تاثیر گذاری
درس بیست و چهارم: خرد جمعی
درس بیست و پنجم: پیوندهای پایدار
درس بیست و ششم: منشور روابط انسانی
درس هفتم: تعادل پویا در زندگی متلاطم
درس بیست و هشتم: هم افزایی اجتماعی و شکوفایی جمعی
درس بیست و نهم: مهارت سازگاری و اثربخشی
درس سی ام: آغازی برای سقوط



درس بیست و یکم: برنامه ریزی برای فردائی بهتر

حفظ حکمت

لِكُلِّ امْرِئٍ عَاقِبَةٌ، حُلُوَةٌ أَوْ مُرَّةٌ/ ۱۵۱

خانواده حکمت

۱. صبح روشنی بخش: قَدْ أَصَاءَ الصُّبْحُ لِدِي عَيْنَيْنِ/ ۱۶۹

۲. راز موفقیت: الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ، وَ الْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ، وَ الرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ/ ۴۸

۳. کلید موفقیت: قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ... ۴۷

سعر

هر که رنجی برد، گنجش شد پدید

هر که جدی کرد، بر جودى رسید

۵۵

سَخَن زَرْكَان

آیت الله جوادی آملی، از قول مرحوم صدرالمتألهین چنین می‌فرماید: «انسانی که محصول عمر او ساختن یک قصر و تهیه کردن یک سلسله امور مادی و مالی باشد، هرگز ترقی نمی‌کند. شاخه‌های درختی که بالا آمده، فرع درخت است نه اصل آن. اصل، که ریشه و مغز و سر آن است، در گل فرو رفته است. همین‌گونه انسانی که در طبیعت فرو رفته و دل به گل داده و تمام فکر و همتش آن است که از زمین در بیاورد و زمین را مزین کند، مانند درختی است که تمام عمق فکرش به درون خاک رفته و پاهای او چون شاخه بالا آمده باشد. کجا او ترقی دارد؟ خاکی را روی خاکی انباشته، هر چه بیشتر به گل فرو برود شاخه‌ها و فروع آن بیشتر است. لذا فرمودند: شما انسانید، مانند فرشته باشید نه چون درخت. بالا بیاوید و خود را از خاک و گل رها کنید.»

۵۶



رحم

- برای هر کس سرانجامی است، شیرین یا تلخ.
۱. صبح برای آن‌ها که دو چشم بینا دارند روشن است.
 ۲. پیروزی در گرو تدبیر است، حزم و دوراندیشی در گرو به کار گرفتن فکر، و تفکر صحیح در گرو نگه داری اسرار است.
 ۳. مقام و مرتبت هرکس به قدر همت اوست.

پیام

۱. صبح به انسان یادآوری می‌کند که هر روز، فرصتی جدید برای شروعی تازه است.
۲. پیروزی در زندگی، نتیجه تصمیم‌های هوشمندانه و قاطعانه است؛ پس باید با دقت و تأمل انتخاب کرد.
۳. قدرت واقعی در توانایی انسان برای مدیریت احساسات و واکنش‌ها نهفته است؛ با آرامش و تفکر می‌توان بر چالش‌ها غلبه کرد.
۴. اندازه‌گیری ارزش یک فرد، به اندازه همت و اراده او بستگی دارد؛ همت بالاتر، عامل دستاوردهای بزرگتر است.
۵. برای موفقیت، نیازمند به مدیریت صحیح برنامه‌ها است؛ این کار به فرد کمک می‌کند تا در مسیر خود سازنده‌تر عمل کند.
۶. برای رسیدن به نتایج مطلوب، باید توانایی تحلیل و تفکر عمیق را در خود پرورش داد.
۷. همت و اراده، می‌تواند انسان را به قله‌های رفیع برساند. هر قدم کوچک در جهت رشد، فرد را به هدف نزدیک‌تر می‌کند.
۸. هر اشتباهی، می‌تواند فرصتی برای بهبود و یادگیری جدید باشد؛ بهره‌گیری از تجربیات در جهت رشد و پیشرفت لازم است.

یادداشت



درس بیست و دوم: تسخیر فرصت‌های زندگی

حفظ حکمت

إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ، غُصَّةٌ/ ۱۱۸

خانواده حکمت

۱. به سوی مرگ: نَفْسُ الْمَرْءِ، خُطَاهُ إِلَى أَجَلِهِ/ ۷۴

۲. غنیمت شمردن فرصت: الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ، فَانْتَهَزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ/ ۲۱

۳. مدیریت فرصت: ... لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ، أَوْ خُطْوَةٍ فِي مَعَادٍ، أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ حُرْمٍ/ ۳۹۰



۵۷

سعر

مشو غافل ز پاس وقت اگر آسودگی خواهی

که خوابِ روز، جای خوابِ شب را نمی‌گیرد

سخن زرگان

آیت الله جوادی، درباره لزوم بهره‌مندی از فرصت‌ها چنین می‌فرماید: «سالک راه آخرت باید مهلت چند روزه زندگی دنیا را که خدای سبحان در اختیارش نهاده غنیمت شمارد و از آن برای بازگشت به سوی خدا بهترین بهره را ببرد: «اغْتَنَمَ الْمَهْلَ» وگرنه چنانچه انسان از فرصتی که خدا به وی داده غنیمت نبرد، غرامت خواهد داد. یاقوت را با وقت می‌توان به دست آورد؛ ولی وقت با یاقوت به دست نمی‌آید.»

۵۸

رحم

از دست دادن فرصت مایه غم و اندوه است.
۱. هر نفس انسان، گامی بسوی مرگ است.

۲. فرصت‌ها همچون ابر در گذرند؛ از این رو، فرصت‌های نیک را غنیمت بشمارید.

۳. و سزاوار نیست که انسان عاقل حرکتش جز در سه چیز باشد: مرمت معاش، گامی در راه معاد و لذت در غیر حرام.

پیام

۱. حکیم و خردمند، کسی است که از فرصت به دست آمده بهترین استفاده را ببرد.

۲. فرصت، شروع و پایانی دارد که با دم و بازدم‌های انسان به سمت پایان می‌رود.

۳. از دست فرصت‌ها، اندوهی گلوگیر در پی دارد؛ وقت‌کشی به‌هنگام فرصت، بخشی از حماقت است.

۴. برخی از عوامل اندوه و مشکلات روانی، بخاطر از دست دادن فرصت‌ها است.

۵. بهره‌گیری عاقل از فرصت، به سروامان دادن زندگی، اطاعت و عبادات خدا و تفریحات حلال است.

۶. عمر آدمی به اعتبار لحظه‌ها، دقایق و ساعت‌هاست و حساب معینی دارد.

۷. انسان خردمند، وقت‌شناس است؛ نه شتابزده عمل می‌کند و نه تعلل دارد.

۸. کارت عمر، هر روز ۱۴۴۰ دقیقه شارژ می‌شود و فرصت استفاده همان روز است و قابل انتقال به فردا نیست.

یادداشت

.....

.....

.....



درس بیست و سوم: هنر کلام و تاثیر گذاری

حفظ حکمت

إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ، نَقَصَ الْكَلَامُ/ ۷۱

خانواده حکمت

۱. سخن سنجیده: لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ ... / ۳۸۲

۲. رمز وقار و هیبت: بكَثْرَةِ الصَّمْتِ تَكُونُ الْهَيْبَةُ... / ۲۲۴

۳. نشانه خردمندی: لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ، وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ / ۴۰

سر

در سخن گفتن خطای جاهلان پیدا شود

۵۹

تیر کج چون از کمان بیرون رود رسوا شود

سخن زرگان

امام خمینی، درباره رعایت سکوت چنین می‌فرماید: «اگر اهل ریاضت سکوت را بر خود واجب دانسته اند به خاطر ایمنی از آفات زبان و مسلط شدن بر آن می‌باشد. سکوت یکی از شرایط اهل ریاضت است که از جمله فواید آن این است که سالک از سخن لغو و بیهوده پرهیز می‌کند و مشغول تفکر و ذکر حق تعالی می‌شود و زبان را از غیر ذکر حق تعالی نگه می‌دارد که سبب می‌شود افاضه‌های ملکوتی بر قلب سرازیر شود».

۶۰



رحم

- هنگامی که عقل کامل گردد سخن کم می شود.
۱. چیزی را که علم به آن نداری مگو بلکه همه آنچه را که می دانی نیز مگو.
 ۲. کثرت سکوت، سبب ابهت و بزرگی است.
 ۳. زبان عاقل پشت قلب او قرار دارد در حالی که قلب احمق پشت زبان اوست!

پیام

۱. هر اندازه بر درجات کمال نفس افزوده شود، سخنان بدون اندیشه و تامل کم می شود.
۲. پر حرفی، اتلاف عمر و هدر دادن انرژی است.
۳. زبان، چون مرکبی سرکش و چموش است که باید کنترل گردد.
۴. سکوت به وقت، سبب وقار و هیبت است.
۵. انسان عاقل، چارچوب شناس است؛ اول می اندیشد بعد سخن می گوید.
۶. سخن آینه عقل است؛ از این رو، کلام افراد، بازتابی از میزان خرد و دانش آن‌ها می باشد.
۷. گاهی اوقات در ارتباطات، سکوت رساتر و موثر تر از هر کلامی است.
۸. سکوت، نه تنها باعث افزایش تمرکز و قدرت تفکر، بلکه منجر به رفتار صحیح در مواجهه با چالش‌ها می شود.

یادداشت

.....

.....

.....

.....



درس بیست و چهارم: خردجمعی

حفظ حکمت

مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُوبِهَا/ ۱۶۱

خانواده حکمت

بهترین پشتیبان: ... وَ لَا ظَهَرَ كَالْمُشَاوَرَةِ/ ۵۴

۲: مشاوره و شناخت لغزشگاه‌ها: مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَرَءِ، عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا/ ۱۷۳

۳: آثار مشاوره: ... وَ الْإِسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهُدَايَةِ، وَ قَدْ خَاطَرَ مَنْ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ .../ ۲۱۱



سمر

هر که بی مشورت کند تدبیر

غالبش بر هدف نیاید تیر

سخن بزرگان

آیت الله مکارم شیرازی، درباره جایگاه مشورت می‌فرماید: «مسئله شورا و مشورت یکی از برنامه‌های مؤکد اسلام در امور فردی، اجتماعی و حکومتی است.»^{۶۲} مسئله «مشورت» به ویژه در امور اجتماعی و آنچه به سرنوشت جامعه مربوط است، از مهم‌ترین مسائلی است که اسلام آن را با دقت و اهمیت خاصی مطرح کرده و در آیات قرآن و روایات اسلامی و تاریخ پیشوایان بزرگ اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد.»^{۶۳}

رحم

- کسی که (ترك مشورت کند و) استبداد به رأی داشته باشد هلاک می شود و آن کس که با مردان بزرگ مشورت کند در عقل و خرد آن‌ها شریک می شود.
- هیچ پشتیبانی همچون مشورت نیست.
 - کسی که از آرای مختلف استقبال کند (و نظرات متفاوت را بررسی نماید) موارد خطا را خواهد شناخت.
 - و مشورت عین هدایت است و آن کس که به رأی خود قناعت کند خویشتن را به خطر افکنده است

پیام‌ها

- مشورت گرفتن، بهترین پشتیبان است.
- از آثار مشورت، شناخت لغزشگاه‌هاست.
- مشورت گرفتن، ضریب به نتیجه رساندن را بسیار بالا برده و گویا خود هدایت است.
- خودرای بودن، باعث جلوگیری از راه‌حل‌های درست و خلاقانه و مساوی با هلاکت فرد است.
- با مشورت، می‌توان به زوایای پنهان مسئله رسید و از اشتباهات احتمالی جلوگیری کرد.
- علت خیلی از ناکامی‌ها، انتخاب معیارهای نادرست بدون مشورت است.
- مشورت کردن، فرصتی مغتم برای بهره‌مندی از خرد جمعی و تجربیات دیگران است.
- مشورت با دیگران، گنجینه‌ای از تجربیات و بینش‌ها را برای تصمیم‌گیری‌های آینده فرد ذخیره می‌کند.

یادداشت

.....

.....

.....

.....



درس بیست و پنجم: پیوندهای پایدار

حفظ حکمت

أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ، وَ أَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ / ۱۲

خانواده حکمت

۱. غربت و تنهایی: فَقَدْ الْأَحِبَّةَ عُرْبَةً / ۶۵

۲. دوستان راستین: لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ: فِي نَكْبَتِهِ وَ غَيْبَتِهِ وَ وِفَاتِهِ / ۱۳۴

۳. زهدك في راعب فيك، نُفْصَانُ حَظٌّ؛ وَ رَعْبُكَ فِي زَاهِدٍ فِيكَ، ذُلُّ نَفْسٍ / ۴۵۱

معر

همنشین تو از تو به باید

تا تورا عقل و دین بیفزاید

سخن زرگان

آیت الله مصباح یزدی، درباره ضرورت انتخاب دوست به عنوان یکی از لوازم زندگی اجتماعی می‌فرماید: «وقتی آدمی قدم‌های آغازین ورود به زندگی اجتماعی را برمی‌دارد و به تازگی وارد اجتماع می‌شود، می‌باید پای‌بند مجموعه‌ای از ارزش‌ها باشد و سعی نماید دوستان خوبی انتخاب کند و نسبت به دیگران مهربان باشد، احسان کند و خیرخواه آنان باشد».



رحم

عاجزترین مردم کسی است که از به دست آوردن دوستان عاجز باشد و از او عاجزتر کسی است که دوستانی را که به دست آورده از دست بدهد.

۱. از دست دادن دوستان غربت است!
۲. دوست انسان، دوست نخواهد بود مگر این که برادر خود را در سه حالت فراموش نکند: به هنگامی که دنیا به او پشت می کند و در زمانی که غایب است و پس از مرگش.
۳. اظهار بی میلی به کسی که به تو علاقه مند است سبب کاستی بهره تو در دوستی اوست و اظهار میل به کسی که به تو بی اعتناست سبب خواری تو خواهد بود.

پیام

۱. دوست و رفیق، سند شخصیت آدمی است.
۲. روح انسان، در سایه مودت و مهرورزی شکوفا می شود.
۳. از دست دادن دوستان، نوعی غربت و تنهائی است و به افسردگی و خمودگی منجر می شود.
۴. نگهداری دوست، آسان تر از دوستیابی است.
۵. دوست خوب، با ادعا و شعار شناخته نمی شود بلکه در فراز و نشیبها شناخته می شود.
۶. راه دوستیابی از پل اخلاق گذر می کند (اخلاق تمرینی است نه تزریقی).
۷. شناخت حد و مرزها از آداب دوستی است.
۸. تمایل به کسی که به تو بی اعتناست، سبب خواری و پستی تو می شود.

یادداشت

.....

.....

.....

.....



درس بیست و ششم: منشور روابط انسانی

حفظ حکمت

سُرُّ الْإِخْوَانِ، مَنْ تُكَلِّفَ لَهُ/ ۴۷۹

خانواده حکمت

رعایت انصاف: ... بِالنَّصْفَةِ يَكْثُرُ الْمَوَاصِلُونَ.../ ۲۲۴

۲: حفظ اسرار و حسن رفتار: صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ، وَ الْبَشَاشَةُ حِبَالَةُ الْمَوَدَّةِ.../ ۶

۳: اعتدال در دوستی: أَحْبَبُ حَبِيبِكَ هَوْنًا مَا، عَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا؛ وَ أَبْغَضُ بَغِيضِكَ هَوْنًا مَا، عَسَى أَنْ يَكُونَ حَبِيبَكَ يَوْمًا مَا/ ۲۶۸

سمر

دوست آن دانم که گیرد دست دوست

در پریشان حالی و درماندگی

سخن زرگان

آیت الله مصباح یزدی، درباره اهمیت و جایگاه رفاقت شایسته، چنین می‌فرماید: «در مرحله اول و آغاز ورود به اجتماع اگر آدمی در صدد انتخاب دوست خوب و شایسته و مناسب نباشد، بی‌تردید مورد نکوهش قرار می‌گیرد و از جانب دیگر چه بسا متحمل ضررهای جبران‌ناپذیر می‌گردد. اما اگر بعد از انتخاب دوست مناسب و شایسته، وی را رها سازد، مستحق نکوهش بیشتر خواهد بود».



رحم

بدترین برادران (دوستان) کسی است که برای پذیرایی از او (ناچار باشی) خود را به زحمت افکنی.

۱. و انصاف مایه فزونی دوستان است .
۲. سینه عاقل گنجینه اسرار اوست، خوشرویی و بشاشت، دام محبت است.
۳. دوست خود را در حد اعتدال دوست مدار، چراکه ممکن است روزی دشمنت شود و با دشمنت نیز در حد اعتدال دشمنی کن، زیرا ممکن است روزی دوست تو شود.

پایام

۱. تکلف به معنای خود را به زحمت انداختن به خاطر دیگری، مهم‌ترین آفت دوستی است.
۲. در روابط خود با دیگران، باید مسئولیت‌پذیر بود و از رفتارهایی که سبب زحمت دیگران است، پرهیز کرد.
۳. باید نسبت به عواقب رفتار خود اهتمام ورزید، تا در روابط اجتماعی با مشکلی مواجه نشد.
۴. انصاف و عدالت در روابط انسانی بسیار مهم است؛ رفتار توام با انصاف، سبب اعتماد و احترام متقابل است.
۵. انصاف، از جمله مفاهیم بلندی است که الهام‌بخش فرهنگ دوستی است.
۶. افراد عاقل و با درایت، اسرار دیگران را حفظ می‌کنند و با خوش‌رویی، روابط را تحکیم می‌بخشند.
۷. در روابط انسانی، خطا و اشتباه امری طبیعی است؛ افراد عاقل، باگذشت خود، به روابط استحکام می‌بخشند.
۸. در روابط خود باید دوراندیش بود، نباید در دوستی‌ها زیاده‌روی کرد؛ چه بسا دوست امروز، دشمن فردا باشد.

یادداشت



درس بیست و هفتم: تعادل پویا در زندگی متلاطم

حفظ حکمت

كُنْ سَمْحًا وَلَا تَكُنْ مُبَدِّرًا، وَ كُنْ مُقَدِّرًا وَلَا تَكُنْ مُقْتَرًّا/ ۳۳

خانواده حکمت

۱. پیامد افراط و تفریط: ثَمَرَةُ التَّفْرِيطِ النَّدَامَةُ، وَ ثَمَرَةُ الْحَزْمِ السَّلَامَةُ/ ۱۸۱

۲. پیامد تفریط: مَنْ قَصَرَ فِي الْعَمَلِ ابْتَدَى بِأَهْمٍ... / ۱۲۷

۳. اعتدال ورزی: مَنْ بَالَعَ فِي الْخُصُومَةِ أَثِمَ، وَ مَنْ قَصَرَ فِيهَا ظَلِمَ... / ۲۹۸

سمر

اندازه نگهدار که اندازه نکوست

هم لایق دشمن است و هم لایق دوست

سخن بزرگان

مقام معظم رهبری درباره لزوم اعتدال در جامعه و تبعات عدم اعتدال ورزی چنین می‌فرماید: «افراط وقتی در جامعه به وجود آمد، هر حرکت افراطی به افراطی‌گری دیگران دامن می‌زند. اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسئول خون‌ها و خشونت‌ها و هرج‌ومرج، آن‌هایند».



رحم

سخاوتمند باش و در این راه اسراف مکن و در زندگی حساب گر باش و سخت گیر
مباش.

۱. میوه درخت تفریط، پشیمانی و میوه درخت دوراندیشی، سلامت است.
۲. کسی که در عمل کوتاهی کند به اندوه گرفتار می شود.
۳. کسی که در دشمنی با مخالفان افراط کند، آلوده گناه می شود و کسی که کوتاهی کند بر خود ستم کرده.

پیام

۱. اعتدال و میانه از اصول مهم در زندگی سعادت‌مندان به شمار می‌رود.
۲. از پیامدهای زیانبار کوتاهی کردن، پشیمانی است.
۳. سلامتی، ثمره دور اندیشی و تدبیر در امور است.
۴. کوتاهی در کارها، اندوه و ناراحتی به دنبال دارد.
۵. اعتدال در کارها لازم است، حتی در دشمنی ورزیدن.
۶. کوتاهی در گرفتن حق، نوعی ستم بر خود روا داشتن است.
۷. اعتدال، ارزش ؛ و زیاده روی و کوتاهی، ضد ارزش است.
۸. برای حل مساله، نه باید بیش از حد مأیوس و ناامید بود و نه باید بی توجه از کنار آن‌ها گذشت.

یادداشت

.....

.....

.....

.....



درس بیست و هشتم: هم افزایی اجتماعی و شکوفایی جمعی

حفظ حکمت

خَالَطُوا النَّاسَ مُحَالَطَةً إِنْ مِتُّمْ مَعَهَا بَكُوا عَلَيْكُمْ، وَإِنْ عَشْتُمْ حُنُوا إِلَيْكُمْ/ ۱۰

خانواده حکمت

۱. روش پاسخ به نیکی‌ها: إِذَا حَيَّيْتَ بِتَحِيَّةٍ فَحَيِّ بِأَحْسَنَ مِنْهَا/ ۶۲

۲. ثمره نرم خوئی: مَنْ لَانَ عُوْدُهُ، كَثَفَتْ أَغْصَانُهُ/ ۲۱۴

۳. ضرورت هماهنگی با مردم: مُقَارَبَةُ النَّاسِ فِي أَخْلَاقِهِمْ، أَمْنٌ مِنْ عَوَائِلِهِمْ/ ۴۰۱

سر

تن آدمی شریف است به جان آدمیت

نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

سخن زرگان

آیت الله مکارم شیرازی، درباره معاشرت اجتماعی می‌فرماید: «اسلام دینی اجتماعی است و آیات قرآن و روایات اسلامی و [سیره معصومان علیهم السلام] به طور گسترده از معاشرت خوب با مردم سخن گفته است. ^{۷۱} یعنی اسلام اصل را جامعه می‌داند؛ هر چه پیوند جامعه را محکم کند مورد تأیید اسلام است و هر چه آن را سست کند می‌غوض است.» ^{۷۲}



رحم

آن گونه با مردم معاشرت کنید که اگر بمیرید بر مرگ شما اشک بریزند و اگر زنده بمانید به شما عشق ورزند.

۱. هنگامی که به تو تحیتی گویند به صورتی بهتر پاسخ گوی.
۲. کسی که ساقه درخت وجودش نرم است، شاخه‌هایش فراوان است.
۳. هماهنگی (معقول) با مردم در اخلاقشان سبب ایمنی از کینه توزی و دشمنی آنهاست.

پایم

۱. همدلی، نقش بسیار مهمی در بهبود روابط انسانی ایفا می‌کند.
۲. همبستگی اجتماعی، در گرو معاشرت دلسوزانه و مجاهدانه است.
۳. چیره‌دستی انسان در تعاملات اجتماعی، از ویژگی‌های اساسی او به شمار می‌رود.
۴. همبستگی اجتماعی، از رهگذر روانشناسی اجتماعی می‌گذرد.
۵. نشانه معاشرت برتر، پاسخ به بهتر است.
۶. مشارکت فعال و سازنده افراد در جامعه، موجب دوستیابی، احترام و کسب اعتماد متقابل می‌شود.
۷. نرم‌خوئی و رفتار مهربانانه، موجب گسترش روابط اجتماعی و افزایش تعداد دوستان می‌گردد.
۸. راه ایمنی از کینه توزی‌های مردم، رفتار و سخن سجیده است.

یادداشت

.....

.....

.....

.....



درس بیست و نهم مهارت سازگاری و اثربخشی

حفظ حکمت

خُذْ مِنَ الدُّنْيَا مَا آتَاكَ، وَ تَوَلَّ عَمَّا تَوَلَّى عَنْكَ؛ فَإِنْ أَنْتَ لَمْ تَفْعَلْ، فَأَجْمَلْ فِي الطَّلَبِ/ ۳۹۳

خانواده حکمت

۱. نگاه عمیق به دنیا: ازهد في الدنيا، يبصرك الله عوراتها، و لا تغفل فلست

بمغفول عنك/ ۳۹۱

۲: جذابیت فریبنده: مثل الدنيا كمثل الحية... يهوي إليها الغر الجاهل، و يحذرها

ذو اللب العاقل/ ۱۱۹

۳: نگاه عبرت‌آمیز: إنما ينظر المؤمن إلى الدنيا بعين الاعتبار و يقتات منها ببطن

الإضطرار/ ۳۶۷

سر

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود

ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

سخن زرگان

امام خمینی (ره)، درباره ساده زیستی و قناعت چنین می‌فرماید: «معنویات اساس اسلام است. سعی کنید معنویات را زیاد کنید و از تشریفات، تا آن جا که مقدور است بکاهید. خود را به ساده زیستن عادت دهید؛ و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید. با زندگانی اشرافی و مصرفی نمی‌توان ارزشهای انسانی _ اسلامی را حفظ کرد. انسان گمان می‌کند سعادتش به این است که چند تا باغ داشته باشد، چند تا ده داشته باشد، در بانکها سرمایه داشته باشد، در تجارت چه باشد، شاید انسان این گمان را می‌کند، لکن ما وقتی که ملاحظه می‌کنیم و سعادت‌ها را سنجش می‌کنیم، می‌بینیم که سعادت‌مندا آن‌هایی بودند که در کوخها بودند».



رحم

از دنیا همان قدر را بگیر که به سراغ تو می آید و از آنچه از تو روی گردانده روی بگردان و اگر چنین نمی کنی لااقل در طلب دنیا به صورت معقول تلاش کن.

۱. زهد و بی اعتنایی به (زرق و برق) دنیا پیشه کن تا خداوند چشم تو را برای دیدن عیوب آن بینا سازد و غافل مباش که مراقب تواند.

۲. دنیا مانند مار (خوش خط و خال) ... مغرور نادان به سوی آن می رود و خردمند عاقل از آن حذر می کند.

۳. انسان مؤمن، تنها با چشم عبرت به دنیا می نگرد، از مواهب آن به مقدار ضرورت بهره می گیرد.

پیام

۱. با واقعیت های زندگی باید کنار آمد و از فرصت ها و سهم و روزی مشخص، بهره جست.

۲. آرامش در زندگی، مرهون قناعت و وابسته نشدن به مواهب مادی است.

۳. انسان خردمند، خواسته های خود را مدیریت می کند.

۴. تلاش برای زندگی، باید بر اساس اصول اخلاقی و دینی باشد.

۵. در امور زندگی، باید خدا را حاضر و ناظر خود دانست.

۶. در پس زیبایی های دنیا، سمی گشوده نهفته است که افراد ظاهربین را هلاک می کند.

۷. افراد خردمند و با بصیرت، از ظاهر دنیا عبور کرده و حقیقت آن را دریافته اند.

۸. مومن، بیشتر به ارزش های معنوی و اخلاقی توجه می کند و دنیا را وسیله ای برای

رسیدن به کمال می داند.

یادداشت

.....

.....

.....

.....



درس سی ام: آغازی برای سقوط

حفظ حکمت

يَا ابْنَ آدَمَ، إِذَا رَأَيْتَ رَبَّكَ سُبْحَانَهُ يُتَابِعُ عَلَيْكَ نِعْمَهُ وَ أَنْتَ تَعْصِيهِ، فَاحْذَرَهُ/ ۲۵

خانواده حکمت

۱. نگاه عمیق به دنیا: **زبان آشکار**: احْذَرُ أَنْ يَرَاكَ اللَّهُ عِنْدَ مَعْصِيَتِهِ، وَ يَفْقِدَكَ عِنْدَ طَاعَتِهِ، فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ.../ ۳۸۳

۲. سخت‌ترین گناه: **أَشَدُّ الذُّنُوبِ**، مَا اسْتَهَانَ بِصَاحِبِهِ/ ۳۴۸

۳. **خوف و رجاء عاقلانه**: ... لَا يَرْجُونَ أَحَدًا مِنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ؛ وَ لَا يَخَافَنَّ إِلَّا ذَنْبَهُ.../ ۸۲

سفر

ای نسخه اسرار الهی که تویی

و ای آینه جمال شاهی که تویی

سخن بزرگان

علامه مصباح، درباره عامل سقوط انسان چنین می‌فرماید: «در منابع دینی بیان شده است که اگر کسی به زمین دلبستگی پیدا کرد و از هوای نفس پیروی کرد از مقام عالی تنزل می‌کند و به درجه حیوانات می‌رسد؛ قرآن حتی هوای نفس را عامل اصلی شرک و بت پرستی معرفی می‌کند.»^{۷۶}



رحم

ای فرزند آدم! هنگامی که می بینی پروردگارت نعمت‌هایش را پی در پی بر تو می فرستد در حالی که تو معصیت او را می کنی از او بترس (مبادا مجازات سنگینش در انتظار تو باشد).

۱. برحذر باش از این که خدا تو را نزد معصیتش حاضر ببیند و نزد طاعتش غایب، که از زیان کاران خواهی بود.
۲. شدیدترین گناهان گناهی است که صاحبش آن را کوچک بشمارد.
۳. هیچ يك از شما جز به پرورگارش امیدوار نباشد (و دل نبندد)؛ هیچ کس جز از گناه خود نترسد.

پیام

۱. غرق شدن در نعمت‌های الهی، نشانه رضایت خدا نیست؛ گاهی عذاب استدراجی است.
۲. فراوانی نعمت با وجود معصیت، زنگ هشدار برای انسان است.
۳. گناه و نافرمانی خدا، بالاترین خسارت و مصیبت است.
۴. در اختیار معصیت قرار گرفتن و نبودن در طاعت خدا، زیان آشکار است.
۵. بزرگی و کوچکی گناه تفاوتی ندارد، چرا که هر دو نافرمانی و مقابله با خداوند است.
۶. سبک شمردن گناه، سبب غفلت و تکرار گناه است؛ دنیا دار مکافات است، باید از عاقبت گناه ترسید.
۷. گناه هر چند کوچک باشد، به عنوان یک سلول سرطانی بدخیم است.
۸. اعتماد و امید به خداوند، نردبان رشد و تعالی انسان است.

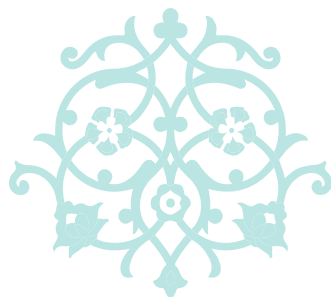
یادداشت





فصل چهارم: مسؤلیت اجتماعی و عدالت

این فصل به بررسی مسؤلیت‌های اجتماعی، عدالت، مبارزه با ظلم، و نقش فرد در بهبود جامعه می‌پردازد. هدف اصلی این فصل، ترغیب مخاطب به مشارکت فعال در ساختن جامعه‌ای عادلانه‌تر و سالم‌تر است.



درس سی و یکم: هنر مدیریت تعارض

درس سی و دوم: آزمایش‌های الهی

درس سی و سوم: موانع خردورزی

درس سی و چهارم: زندانی در حصار مال

درس سی و پنجم: سرمایه‌گذاری معنوی و بازدهی اجتماعی

درس سی و ششم: صبر در طوفان‌های زندگی

درس سی و هفتم: دادگری و عدالت

درس سی و هشتم: پیروی از امام علیه السلام

درس سی و نهم: مسیر رهائی از ظلم

درس چهارم: آینده دردناک ستمکاران



درس سی و یکم: هنر مدیریت تعارض

حفظ حکمت

إِذَا قَدَرْتَ عَلَىٰ عَدُوِّكَ، فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. / ۱۱

خانواده حکمت

۱. قدرت و مسئولیت: أَوْلَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ، أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ. / ۵۲

۲. شناسایی دشمنان: ...أَعْدَاؤُكَ ثَلَاثَةٌ... : عَدُوُّكَ وَ عَدُوُّ صَدِيقِكَ وَ صَدِيقُ

عَدُوُّكَ. / ۲۹۵

۳. اعتدال در جدال: مَنْ بَالَعَ فِي الْخُصُومَةِ أَثَمَ، وَ مَنْ قَصَرَ فِيهَا ظَلِمَ. / ۲۹۸

سمر

چو بر دشمنی با شدت دسترس

مرنجانش کو را همین غصه بس

سخن بزرگان

آیت الله مظاهری، درباره عفو و گذشت می فرماید: «عاشورا و کربلا، معلم اخلاق بشریت است و درس های آموزنده فراوانی دارد. بر این اساس، لازم است علاوه بر عزاداری برای آن حضرت، به نکات اخلاقی قیام آن حضرت نیز توجه و عمل شود. یکی از آن درس ها، درس عفو و گذشت حضرت سیدالشهداء (ع) است. حربن یزید ریاحی ظلم بزرگی در حق امام حسین (ع) و یاران ایشان روا داشت و به قول خودش اولین کسی بود که بدن حضرت زینب (س) را لرزاند. در واقع، مسبب محاصره کاروان امام حسین (علیه السلام)، شهادت ایشان و اسارت عیال، حر بود. بالأخره حر خیلی بدی کرد، اما روز عاشورا به راستی پشیمان شد. عفو حر توسط امام حسین (ع)، در حالی که او مسبب مصائب ایشان بود، شگفت آور است و شگفتی بیشتر، از نادیده گرفتن گناه بزرگ او و نیز از لطف و محبت آن امام بزرگوار حاصل می شود.»



رحم

بهنگامی که بر دشمنت پیروز شدی، عفو را شکرانه این پیروزی قرار ده.

۱. شایسته ترین مردم به عفو، قادرترین آن‌ها به مجازات است.
۲. دشمنان تو ۳ نوع اند: دشمن تو و دشمن دوست و دوست دشمن.
۳. کسی که در دشمنی با مخالفان افراط کند، آلوده گناه می شود و کسی که کوتاهی کند بر خود ستم کرده است.

پیام

۱. عفو کردن بعد از غلبه بر دشمن، نشانه بزرگواری و وارستگی انسان است.
۲. پیروزی واقعی تنها در میدان نبرد نیست، بلکه در توانایی عفو از دیگران نیز نهفته هست.
۳. ترویج فرهنگ بخشش، یک امر اسلامی و انسانی ضروری و فوری است.
۴. هر نعمتی شکری دارد و شکر قدرت، بخشش دیگران است.
۵. در زندگی باید با دقت به اطرافیان و روابط خود توجه کرد.
۶. دشمنان انسان می توانند در اشکال مختلفی ظاهر شوند، پس دشمن شناسی بسیار مهم است.
۷. روابط انسانی، پیچیده و نیازمند به دقت است پس باید هوشیار و مراقب بود
۸. خصومت بیش از حد، بی انصافی و گناه است و کوتاهی در دفاع از حق نیز منجر به ظلم می شود.

یادداشت



درس سی و دوم: آزمایش‌های الهی

حفظ حکمت

مَنْ عَظَّمَ صِغَارَ الْمَصَائِبِ، ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِكِبَارِهَا/ ۴۴۸

خانواده حکمت

۱. سرانجام آرزوهای طولانی: مَنْ أَطَالَ الْأَمَلَ، أَسَاءَ الْعَمَلَ/ ۳۶

۲. فلسفه آزمایش: لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ، لِأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ

إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمَلٌ عَلَى فِتْنَةٍ.../ ۹۳

۳. تسلی در مصیبت‌ها:...إِنْ تَحْزَنُ عَلَى ابْنِكَ فَقَدْ اسْتَحَقَّتْ مِنْكَ ذَلِكَ الرَّحْمُ، وَإِنْ

تَصْبِرُ فِيهِ اللَّهُ مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ حَلَفُ.../ ۲۹۱

سمر

گفت یزدان از ولادت تا به حین

یفتنون کل عام مرتین

سخن زرگان

آیت الله جوادی آملی، درباره امتحانات الهی می‌فرماید: «آنان که در امتحان الهی موفق نمی‌شوند، گرفتار چنگال وهم و خیالات واهی اند. دنیا و زرق و برق آن و مظاهر زودگذرش پرده بر روی عقل می‌کشد و آدمی را گرفتار وهم و برآوردن آرزوهای آن می‌کند. در جنگ عقل و وهم، اگر عقل به اسارت وهم درآمد، اندیشه‌های باطل، عرصه نفس را پر می‌کند و انسان در طغیان این اندیشه‌های واهی با کوردلی حرکت می‌کند».



رحم

کسی که مصیبت‌های کوچک را بزرگ شمارد خداوند او را به مصائب بزرگ مبتلا می‌سازد.

۱. کسی که آرزویش را طولانی کند اعمال بد انجام می‌دهد.
۲. هیچ کس از شما نگوید خداوندا! به تو پناه می‌برم از این که مرا امتحان کنی، زیرا هیچ کس نیست مگر این که امتحانی دارد.
۳. اگر به سبب از دست دادن پسر ت محزون شوی (جای سرزنش نیست، زیرا) این به واسطه پیوند نَسَب (و مقام پدری) است و اگر شکیبایی پیشه کنی، خداوند به جای هر مصیبتی عوضی فرار می‌دهد.

پیام

۱. صبر در برابر چالش‌های کوچک، کلید آرامش است.
۲. آرزوهای غیرواقعی و پوشالی، ما را از تلاش برای اهداف واقعی باز می‌دارد.
۳. به جای آرزوهای خیالی، بهتر است به اقدام و عمل تمرکز کرد تا بتوان به اهداف نزدیک‌تر شد.
۴. غرق شدن در آرزوهای بی پایه و خیالی، منجر به انحراف و رفتار نادرست می‌شود.
۵. امتحان و بلاء در دنیا، جزء جدایی ناپذیر زندگی بشری است.
۶. در امتحان‌ها باید به خداوند پناه جست و از آن‌ها فرصت‌های جدیدی درست کرد.
۷. فهم این مطلب که همه در حال امتحان و ابتلا هستند، سبب تقویت همدلی است.
۸. غم و اندوه در فقدان عزیزان طبیعی است، اما عدم شکوه و صبر بر آن‌ها، سبب پاداش از سوی خداست.

یادداشت



درس سی و سوم: موانع خردورزی

حفظ حکمت

مَا مَزَحَ امْرُؤٌ مَزْحَةً، إِلَّا مَجَّ مِنْ عَقْلِهِ حِجَّةٌ / ۴۵۰

خانواده حکمت

۱. سرانجا. سلامت عقل : فَرَضَ اللَّهُ... تَرَكَ شُرْبَ الْخَمْرِ تَحْصِينًا لِلْعَقْلِ... / ۲۵۲
۲. خطر طمع: أَكْثَرُ مَصَارِعِ الْعُقُولِ، تَحْتَ بُرُوقِ الْمَطَامِعِ. / ۲۱۹
۳. خود کنترلی: ... وَ كَمْ مِنْ عَقْلٍ أَسِيرٍ تَحْتَ [عِنْدَ] هَوَى أَمِيرٍ... / ۲۱۱

سمر

عاقل آن باشد که او با مشعله‌ست

او دلیل و پیشوای قافله‌ست

سخن بزرگان

درباره شوخی نابجا و کم‌خردی چنین وارد شده است: «هر کم‌خردی، از جهت کامل بودن عقلش، از خدای تعالی خوشنود است! در نتیجه خود را در آن حد می‌پندارد که بتواند همه حقایق را دریابد! که او به پندار خود، از توانمندان این میدان است. اما اینان در اثر این پندار نادرست، خود را به دریا زده و در نادانی و گمراهی غرق می‌گردند».



رحم

- هیچ کس شوخی (نامناسبی) نکرد، مگر این که مقداری از عقل خود را فرو ریخت.
۱. خداوند ترك شرب خمر را برای حفظ و سلامت عقل، واجب کرد.
 ۲. بیشترین قربانگاه عقل‌ها در پرتو طمع‌هاست.
 ۳. و چه بسیار عقل‌ها که در چنگال هوا و هوس‌های حاکم بر آن‌ها اسیرند.

پیام

۱. باید به دیگران احترام گذاشت و از شوخی‌هایی که سبب ناراحتی آنان می‌شود، پرهیز کرد.
۲. شوخی‌های نامناسب ممکن است عواقب جدی در پی داشته باشند، پس باید مراقب بود.
۳. ترك شرب خمر به حفظ سلامت روانی و عقلانی انسان کمک می‌کند.
۴. شرب خمر نه تنها بر فرد تاثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند آسیب‌های اجتماعی بسیاری نیز به دنبال داشته باشد.
۵. طمع و حرص می‌تواند انسان را از مسیر درست و عقلانی دور کند.
۶. قناعت و رضایت به رزق و روزی الهی، سبب آرامش در زندگی می‌شود.
۷. شناخت و آگاهی از هوس‌ها و تمایلات، سبب تصمیم‌گیری درست می‌شود.
۸. پیروی از هوی و هوس‌ها، سبب گُند شدن شمشیر عقل و افتادن در دام‌های شیاطین است.

یادداشت

.....

.....

.....

.....



درس سی و چهارم: زندانی در حصار مال

حفظ حکمت

الْبُخْلُ جَامِعٌ لِمَسَاوِي الْعُيُوبِ، وَ هُوَ زِمَامٌ يُقَادُّ بِهِ إِلَى كُلِّ سُوءٍ/ ۳۷۸

خانواده حکمت

۱. از عواقب بخل ورزی: ... إِذَا بَخَلَ الْعَيْيُ بِمَعْرُوفِهِ بَاعَ الْفَقِيرُ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ.../ ۳۷۲

۲. سرانجام آخروی بخل ورزی: عَجِبْتُ لِلْبَخِيلِ يَسْتَعْجِلُ الْفَقْرَ الَّذِي مِنْهُ هَرَبٌ...

فَيَعِيشُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ.../ ۱۲۶

۳. زنجیری بر گردن: الْبُخْلُ عَارٌ.../ ۳



سمر

هست از جود و سخا انسان عزیز

بخل، انسان را کند خوار و ذلیل

سخن زرگان

شهید مطهری می‌فرماید: «در برخی کتب اخلاقی عواملی برای بخل بیان شده، از جمله: خودخواهی: گاهی انسان در فکر و تلاش برای خودش است اما نه فقط به اندازه‌ای که بخواهد زندگی کند، بلکه هدفش بیشتر جمع کردن است. به عنوان مثال کبوتری که دانه جمع می‌کند برای اینکه سیر شود، امری طبیعی است و اگر بشر در این حد باشد عادی است، ولی یک وقت انسان گرفتار حرص و آز می‌شود، اینجا دیگر صحبت این نیست که می‌خواهد برای زندگی خود فعالیت کند، بلکه فقط برای اینکه جمع کند تلاش می‌کند، چنین آدمی در جایی که می‌خواهد ببخشد یا احسان کند، دچار بخل می‌شود، که یک بیماری روانی است.»^{۸۴} مرحوم نراقی نیز چنین می‌فرماید: «مال دوستی همراه با آرزوی دراز: این افراد با این خصوصیات فقط به کسب مال و ثروت و حفظ آن می‌اندیشند، از این رو دچار بخل می‌شوند.»^{۸۵}

رحم

- بخل، جامع تمام عیوب است و وسیله ای است که انسان را به هر بدی ای می کشاند.
۱. و هرگاه اغنیا در نیکی بخل ورزند، نیازمندان آخرت خود را به دنیا می فروشند (و به اموال اغنیا حمله می کنند).
 ۲. از بخیل تعجب می کنم که به استقبال فقری می رود که از آن گریخته در دنیا همچون فقیران زندگی می کند ولی در آخرت باید همچون اغنیا حساب پس دهد.
 ۳. بخل ننگ است.

پیام

۱. بخل، اختصاص به مال ندارد؛ بلکه دایره آن به محبت کردن، لبخند زدن و غیره نیز سرایت می کند.
۲. صفت بخل، نشانگر عقب ماندگی انسان از بسیاری از فضائل است.
۳. بخل، مرکبی راهوار به سوی همه زشتی ها است.
۴. اثر اجتماعی بخل، پایمال شدن حقوق فقیران و عبورشان از خط قرمزهای شرع است.
۵. بخشش و احسان، سبب تعدیل ثروت و کاهش فاصله طبقاتی است.
۶. بر خلاف تصور افراد، عدم انفاق سبب فقر و زندگی سخت است.
۷. بخیل در دنیا فقیرانه زندگی می کند و در آخرت همچون اغنیا حسابرسی می شود.
۸. صفت بخل، انسان را در میان افراد جامعه منفور می کند.

یادداشت

.....

.....

.....

.....



درس سی و پنجم: سرمایه‌گذاری معنوی و بازدهی اجتماعی

حفظ حکمت

اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ/ ۱۳۷

خانواده حکمت

۱. نقش آفرینی صدقه: سُوِسُوا إِيمَانَكُمْ بِالصَّدَقَةِ، وَ حَصَّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ، وَ ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالذُّعَاءِ/ ۱۴۶

۲. تجارت با خداوند: إِذَا أَمَلَقْتُمْ، فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ/ ۲۵۸

۳. قانون پاداش در بخشش: مَنْ يُعْطِ بِالْيَدِ الْقَصِيرَةِ، يُعْطِ بِالْيَدِ الطَّوِيلَةِ/ ۲۳۲

معر

۸۶

یک درم کان را به دست خود دهند

به بود زان کز پی او صد دهند

سخن زرگان

امام خمینی، در تحریر الوسیله در مورد فضیلت صدقه دادن چنین آورده است: «در باره فضیلت صدقه که زکات را هم شامل می‌شود روایت شده است که: «همانا خداوند صدقه را پرورش می‌دهد همان گونه که یکی از شما فرزند خود را پرورش می‌دهد تا این که روز قیامت آن را ملاقات می‌کند در حالی که مانند کوه احد باشد.» و «همانا صدقه از مرگ بد جلوگیری می‌کند.» و «صدقه پنهانی شعله‌های غضب پروردگار را فرومی‌نشاند.»

۸۷



رحم

روزی را به وسیله صدقه فرود آورید.

۱. ای مانتان را با صدقه حفظ کنید و اموالتان را با زکات، و امواج بلا را با دعا از خود دور سازید.

۲. هر زمان فقیر شدید، با خداوند از طریق صدقه دادن (در راه او) تجارت (پرسود) کنید.

۳. کسی که با دست کوتاه ببخشد، با دست بلند به او بخشیده می‌شود.

ایمان

۱. صدقه دادن، دروازه‌های افزایش نعمت و روزی را به سوی انسان می‌گشاید.

۲. کمک به دیگران، تقویت کننده انسجام و همبستگی اجتماعی است.

۳. از برکات صدقه دادن، تقویت روحیه سخاوتمندی افراد و جوامع است.

۴. ایمان فقط یک احساس درونی نیست، بلکه توأم با عمل است، مانند: زکات و صدقه دادن.

۵. ایمان دارای مراتب است: صدقه و زکات، سبب تقویت ایمان و نیل به مراتب بالای آن است.

۶. در تنگدستی، صدقه دادن نوعی معامله با خداست و سبب حمایت خداوند است.

۷. صدقه دادن در سختی‌ها، یعنی اعتماد و ایمان به عوض الهی که سبب رشد فردی است.

۸. خداوند به نیت و اعمال نیک پاسخ می‌دهد و پاداش او فراتر از تصور انسان است.

یادداشت

.....

.....

.....



درس سی و ششم: صبر در طوفان‌های زندگی

حفظ حکمت

مَنْ صَبَرَ صَبَرَ الْأَحْرَارَ، وَإِلَّا سَلَ سُلُومَ الْأَعْمَارِ/ ۴۱۳

خانواده حکمت

۱. شصبر نیکان در برابر سلوک حیوانی: إِنْ صَبَرْتَ صَبَرَ الْأَكْرَامِ، وَإِلَّا سَلَوْتَ سُؤماً

البهائم/ ۴۱۴

۲. قدرت صبر: لَا يَعْدُمُ الصَّبُورُ الظَّفَرَ، وَإِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ/ ۱۵۳

۳. کلید آرامش در زندگی: أَغْضِ عَلَى الْقَدَى وَالْأَلَمِ، تَرْضَ أَبَدًا/ ۲۱۳

سر

صد هزاران کیمیا حق آفرید

کیمیایی همچو صبر آدم ندید

سخن زرگان

مقام معظم رهبری، درباره صبر و شکیبایی می‌فرماید: «صبر در «وَأِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا» یعنی چه؟ صبر، یعنی خسته نشدن. در خیلی از این ترجمه‌های فارسی مثلاً صبر را به استقامت [معنا کرده‌اند]؛ درست است؛ یعنی خسته نشدن. اگر بردباری هم می‌گویند، یعنی همین خسته نشدن. صبر به این معنا است: یعنی خسته نشوید؛ صبر در عبادت هم همین جور است، صبر در مقابل معصیت هم همین جور است – یک معصیتی است که جذاب است برای انسان، دائم او را میکشد، مدام انسان مقاومت میکند؛ این مقاومت، آدم را خسته میکند و بعد تسلیم هوای نفس می‌شود؛ صبر یعنی خسته نشدن – در مقابل مصیبت همین جور است، در مقابل دشمن همین جور است؛ صبر یعنی این. از میدان در نرفتن و خارج نشدن، صبر است.»



رحم

هرکس همچون آزادگان شکیبیا باشد (به اجر صابران خواهد رسید) و گرنه همچون جاهلان، خود را به غفلت می زند (و بی نصیب خواهد بود).

۱. هرگاه همچون بزرگواران صبر پیشه کنی (پیروز خواهی شد) و گرنه همچون چهارپایان، خود را به غفلت خواهی زد (و بی نصیب می‌مانی).
۲. شخص صبور (و با استقامت) پیروزی را از دست نخواهد داد هر چند زمانی طولانی بگذرد.
۳. چشم خود را بر خاشاک رنج‌ها فرو بند، تا همیشه راضی باشی.

پیام

۱. صبر در مصیبت‌ها، نشانه‌ای از آزادی معنوی و بزرگی روح است.
۲. موفقیت، نیازمند بهره‌وری مناسب از زمان و تلاش مستمر است.
۳. نوع نگرش انسان به مشکلات، تعیین کننده نوع واکنش او است.
۴. بی‌صبری، سبب تسلیم شدن در برابر حوادث و زندگی ددمنشانه است.
۵. صبر و شکیبایی، یکی از کلیدهای موفقیت است؛ حتی اگر زمان زیادی طول بکشد.
۶. خشنودی در زندگی، نتیجه مدیریت هوشمندانه احساسات و عدم توجه به تلخی‌ها است.
۷. چشم‌پوشی از سختی‌های روزگار، دروازه‌ای به سوی خشنودی و آرامش است.
۸. در مواجهه با خار و خاشاک زندگی، هنر نادیده گرفتن را باید آموخت.

یادداشت

.....

.....

.....

.....



درس سی و هفتم: دادگری و عدالت

حفظ حکمت

يَوْمَ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ، أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجُورِ عَلَى الْمَظْلُومِ/ ۳۴۱

خانواده حکمت

۱. توسعه عدالت: اسْتَعْمِلِ الْعَدْلَ، وَ احْذِرِ الْعُسْفَ وَ الْحَيْفَ؛ .../ ۴۷۶

۲. پیوند توحید و عدل: سئلَ عَنِ التَّوْحِيدِ وَ الْعَدْلِ، فَقَالَ (ع): التَّوْحِيدُ أَلَّا تَتَوَهَّمَهُ، وَ الْعَدْلُ أَلَّا تَتَّهَمَهُ/ ۴۷۰

۳. انواع عدل: ...: الْعَدْلُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شَعَبٍ: عَلَى غَائِصِ الْفَهْمِ وَ غَوْرِ الْعِلْمِ وَ زُهْرَةِ الْحُكْمِ وَ رَسَاخَةِ الْحِلْمِ.../ ۳۱

معر

عدل کن، عدل که گفتند حکیمان جهان

مملکت بی‌مدد عدل نماند بر جای

سخن زرگان

مقام معظم رهبری، درباره جایگاه و اهمیت عدالت می‌فرماید: «مسئله عدالت یکی از مهم‌ترین مسائل معرفتی است... البته یک مصداق مهم عدالت رفع نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و مانند این‌ها است اما فقط این نیست؛ این یک قلم عمده‌اش است. عدالت از قضاوت‌های شخصی ما شروع می‌شود؛ عدالت از عمل شخصی ما، حرف زدن ما، داوری‌های ما در مورد اشخاص، در مورد کارها شروع می‌شود. «و لا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اِعْدِلُوا» اگر با کسی مخالفت هم داریم، دشمنی هم داریم، جدایی فکری هم داریم، درباره‌اش نباید ظلم کنیم».



رحم

روز اجرای عدل بر ستمگر، سخت تر است از روز ظلم کردن ستمگر بر مظلوم.

۱. عدالت را پیشه کن و از خشونت و سختگیری و ستمگری بپرهیز.
۲. درباره توحید و عدل سؤال شد، فرمود: توحید آن است که خدا را در وهم و اندیشه نیاوری و عدل آن است که او را متهم نسازی.
۳. عدالت نیز چهار شعبه دارد: فهم دقیق، علم و دانش عمیق، قضاوت صحیح و روشن و حلم و بردباری راسخ.

پیام

۱. ستم بر مظلوم، عواقب وخیمی دارد و روزی ستمگران پاسخگو خواهند بود.
۲. عدالت نه تنها حق مظلومان، بلکه ضامن سلامت و پایداری جامعه است.
۳. آگاهی از عواقب اعمال، انسان را به سوی انصاف و دوری از ظلم سوق می‌دهد.
۴. هر فردی، سفیر عدالت است و مسئولیت تحقق آن را بر عهده دارد.
۵. نباید خداوند را به ستم متهم کرد، هرچند انسان در زندگی با مشکلات و چالش‌ها مواجه بشود.
۶. توحید و عدالت دو اصل اساسی‌اند که درک صحیح آن‌ها، پایه‌گذار زندگی معنوی است.
۷. باید در صفات الهی تفکر عمیق کرد و در زندگی به حکمت خداوند اعتماد داشت.
۸. عدل، یکی از پایه‌های ایمان و اساس و راه‌گشای تعاملات انسانی در جامعه است.

یادداشت

.....

.....

.....

.....



درس سی و هشتم: پیروی از امام علیه السلام

حفظ حکمت

مَا كَذَبْتُ وَلَا كَذَّبْتُ وَلَا ضَلَّيْتُ وَلَا ضَلَّيْتُ ۱۸۵/

خانواده حکمت

۱. تغییرات در آستانه ثبات: لَوْ قَدِ اسْتَوَتْ قَدَمَايَ مِنْ هَذِهِ الْمَدَاحِضِ، لَعَيَّرْتُ

أَشْيَاءَ/ ۲۷۲

۲. عزم برای عدالت‌ورزی: لَنَا حَقٌّ، فَإِنْ أُعْطِينَاهُ، وَإِلَّا رَكِبْنَا أَعْجَازَ الْإِبِلِ وَإِنْ

طَالَ السَّرَى/ ۲۲

۳. ایمان به حقیقت: مَا شَكَّكْتُ فِي الْحَقِّ مُدًّا [مُنْدُ] أُرَيْتُهُ/ ۱۸۴

معر

اگر چشم داری به دیگر سرای!

به نزد نبی و وصی گیر جای

سخن بزرگان

برخی از بزرگان در مورد اهل بیت علیهم السلام چنین بیان کرده‌اند: «خداوند متعال به صورت مطلق دستور می‌دهد که از پیامبر اکرم {و اهل بیت} علیهم السلام پیروی کنید بدون آنکه الگو بودن پیامبر {و اهل بیت} علیهم السلام را مقید به قیدی کند. لازمه مطلق بودن پیروی از پیامبر اکرم {و اهل بیت} علیهم السلام عصمت مطلق آن حضرات است؛ زیرا اگر پیامبر {و اهل بیت} علیهم السلام در برخی کارها مرتکب گناه یا اشتباه شوند، خداوند باید دستور خود را به صورت مطلق بیان نمی‌کرد. پس پیامبر {و اهل بیت} علیهم السلام در تمام افعال و کردار خویش معصوم {و اسوه} هستند».



رحم

هرگز دروغ نگفته‌ام و هیچ گاه دروغ به من گفته نشده است (اشاره به این که آنچه پیامبر به من فرموده است راست و درست بوده است) و هرگز گمراه نبوده‌ام و کسی نیز به وسیله من گمراه نشده است.

۱. اگر در برابر این لغزشگاه‌ها، گام‌هایم استوار شود اموری را تغییر خواهم داد. (و بدعت‌هایی را که گذاشته‌اند از میان خواهم برد).
۲. ما را حقی است که اگر به ما داده شود (آزادیم) و الا (همچون اسیران و بردگانی خواهیم بود که) در عقب شتر سوار خواهیم شد، هر چند زمانی طولانی این سیر در تاریکی بگذرد.
۳. از آن زمان که حق به من نشان داده شده هرگز در آن شک و تردید نکردم.

پیام

۱. حق، هم دانی و هم گرفتنی است.
۲. امام معصوم (ع)، صراط مستقیم و چراغ راه است که باید گرد او جمع شد.
۳. استضعاف جامعه، نتیجه پای کار نبودن مردن و استضعاف پیشوایان و رهبران دین است.
۴. برای تغییرات اساسی باید علاوه بر عزم راسخ، پایگاه محکم هم داشت.
۵. اولین قدم در اصلاح جامعه، اصلاح بدعت‌ها و ناهنجاری‌ها است
۶. مسئولیت امام (ع) و رهبری جامعه سنگین است؛ چراکه نیازمند تصمیم‌گیری درست در شرایط سخت است.
۷. عاقبت بخیری از مسیرهای لغزنده می‌گذرد؛ ثبات و پایداری در راه حق، کلید موفقیت است.

۸. مسئولین باید بصیرت کافی داشته باشند، تا در دام افراد فریب‌کار و سودجو قرار نگیرند.

یادداشت

.....

.....

.....



درس سی و نهم: مسیر رهائی از ظلم

حفظ حکمت

بَقِيَّةُ السَّيْفِ [أَنْمَى] أَبْقَى عَدَدًا وَ أَكْثَرَ وَ لَدَا/ ۸۴

خانواده حکمت

۱. انواع جهاد: ... الْجِهَادُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الصَّدَقِ فِي الْمَوْاطِنِ وَ شَتَّانِ الْفَاسِقِينَ.../ ۳۱

۲. نخستین مرحله جهاد: أَوَّلُ مَا تُغْلِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْجِهَادِ، الْجِهَادُ بِأَيْدِيكُمْ، ثُمَّ بِالسِّنِّكُمْ، ثُمَّ بِقُلُوبِكُمْ.../ ۳۷۵

۳. جهاد در راه حقیقت: وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ، لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى، فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى/ ۳۷۳

سر

گرت نهی منکر بر آید ز دست

نشاید چو بی دست و پایان نشست

سخن زرگان

شهید استاد مطهری می فرماید: «اگر ملتی مسلمان، روحش، روح جهاد باشد... و اگر این سپر الهی را همواره در دست داشته باشند، دیگر ضربتی بر آن‌ها کارگر نخواهد افتاد». ۹۵ امام خمینی (ره) نیز می فرماید: «مهمترین نوع جهاد طبق روایات مساله امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف و نهی از منکر از اموری است که بر همه کس واجب است، چیزی نیست که بر یکی واجب بوده، بر دیگری نباشد». ۹۶ همچنین ایشان در جایی دیگر می فرماید: «همان طوری که هر شخص و هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند. اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند». ۹۷



باز ماندگان شمشیر، دوام و بقایشان فزون تر و فرزندان‌شان بیشترند. جهاد (نیز) چهار شاخه دارد: امر به معروف، نهی از منکر، صدق و راستی در معرکه‌های نبرد، و دشمنی با فاسقان. نخستین مرحله‌ای از جهاد که از شما می‌گیرند و در آن مغلوب می‌شوید جهاد با دست (جهاد عملی) است، سپس جهاد با زبان و بعد جهاد با قلب. اما آن کس که با شمشیر به انکار ظلم و ستم برخیزد (در آنجا که راهی جز آن نیست) برای اعلامی نام خدا و سرنگونی ظالمان، به راه هدایت راه یافته است.

۱. نسلی که برای جهاد در راه خدا تربیت شده باشد، نسل پربرکت و موثرتری خواهد بود.
۲. هزینه جهاد شاید در ابتدای امر زیاد باشد، اما در ادامه مسیر سبب شکوفایی و فتح آفاق است.
۳. جهاد منحصر در نبرد فیزیکی نیست، بلکه شامل تمام تلاش‌ها برای پرورش اخلاق و اصلاح جامعه می‌شود.
۴. امر به معروف و نهی از منکر، از ارکان جهاد و برگ برنده مومنان می‌باشد.
۵. تقسیم جهاد به ارکان مختلف، بیان‌گر این است که هر فردی در جایگاه خود مسئولیت دارد.
۶. جهاد با نفس، اهمیت بالایی دارد؛ اگر قلب و نیت درست نباشد، پیروزی در میدان جنگ سخت خواهد بود.
۷. تمام ابزار جهاد از سلاح تا زبان و قلب، باید در راه حق و تلاش برای گسترش توحید باشد.
۸. حداقل واکنش در مقابل ظلم و ستم، انزجار قلبی و بالاترین مرتبه قیام در برابر ظلم، در مقام عمل است.



درس چهارم: آینده دردناک ستمکاران

حفظ حکمت

بُئْسَ الزَّادُ إِلَى الْمَعَادِ، الْعُدْوَانُ عَلَى الْعِبَادِ/ ۲۲۱

خانواده حکمت

۱. نتیجه مقابله با حق: مَنْ صَارَعَ الْحَقَّ، صَرَعَهُ/ ۴۰۸

۲. ثمره ظلم و ستم: لِلظَّالِمِ الْبَادِي عَدَا بَكَفِّهِ عَصَّةٌ/ ۱۸۶

۳. غلبه مظلوم بر ظالم: يَوْمُ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ، أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ/ ۲۴۱

سحر

ظالم به ظلم خویش گرفتار می‌شود

از بیج و تاب نیست رهایی کمند را

سخن زرگان

مقام معظم رهبری، درباره صورت حقیقی ظالم چنین می‌فرماید: «آن کسی که برایش کشتن هزاران انسان، شیمیایی کردن خانواده‌ها و بچه‌های کوچک، اهمیتی ندارد و به راحتی جنایت میکند، او در ظاهر انسان است، ولی در باطن گرگ است. صورت معنوی و حقیقی او، صورتی که در قیامت با آن محشور خواهد شد، صورت یک حیوان وحشی است.»



رحم

بدترین توشه برای آخرت ستم بر بندگان (خدا) است.

۱. آن کس که با حق درافتد، حق او را بر زمین خواهد زد.

۲. آن ستمگر که ابتدای به ظلم می کند فردای قیامت دست خود را از پیشیمانی (به دندان) می گزد.

۳. روز انتقام مظلوم از ظالم، شدیدتر از روز ستم کردن ظالم بر مظلوم است.

پیام

۱. عدالت خداوند اقتضا می کند که ظالم عواقب ظلم و ستم خود را دریافت کند.

۲. اعتقاد به معاد و پاسخگویی در روز قیامت، سبب انجام اعمال درست و پرهیز از ظلم و ستم است.

۳. سنت قطعی خداوند، پیروزی جبهه حق و اضمحلال و نابودی جریان باطل است.

۴. در افتادن با حق، سبب جلب نعمت و عذاب در دو جهان است.

۵. زندگی دنیوی موقتی است؛ در آخرت باید با اعمال خود روبرو شد.

۶. در دنیای پرهیاهو، رعایت حقوق دیگران و عدالت همچون چراغی در تاریکی است.

۷. سعادت یا شقاوت انسان در آخرت، به نوع عمل او در این دنیا بستگی دارد.

۸. ظالم باید بداند که دنیا زودگذر است و از ظلم دست بردارد؛ زیرا عواقب ناگواری به دنبال دارد.

یادداشت

.....

.....

.....



خوانندگان گرامی، با پایان یافتن این سفر معنوی و علمی در بوستان حکمت‌های کتاب شریف و ارزشمند نهج‌البلاغه، امید است که جان‌هایتان از زلال معرفت، سیراب گشته و دل‌هایتان به نور بصیرت، روشن شده باشد. این کتاب، تلاشی بود در جهت گشودن دریچه‌ای به سوی گنجینه بی‌کران حکمت‌های امیرالمومنین امام علی (علیه‌السلام)؛ به امید اینکه بتواند راهگشای زندگی فردی و اجتماعی همه افراد قرار بگیرد.

در این درسنامه، چهل حکمت برگزیده از نهج‌البلاغه (درکنار حکمت‌های خانواده)، در راستای حفظ و یادگیری مورد استناد قرار گرفت. همچنین تلاش شد با رویکردی علمی - تحلیلی با تکیه بر اشعار، سخن بزرگان و پیام‌های مرتبط، ابعاد گوناگون این حکمت‌ها تبیین و مورد بررسی قرار گیرد. چراکه هدف اصلی، صرفاً ترجمه نبوده، بلکه فهم عمیق و کاربردی این آموزه‌ها در جهت ارتقای سطح آگاهی در جهت بهبود کیفیت زندگی مادی-معنوی و فردی-اجتماعی مورد نظر بوده است.

با توجه به اینکه کتاب شریف نهج‌البلاغه دریایی است ژرف و بی‌کران که هر غواصی به قدر توان خویش از آن می‌تواند بهره بجوید؛ این کتاب، تنها قطره‌ای از این دریای وسیع است. از این‌رو، امید است که درسنامه حاضر انگیزه‌ای باشد برای غوطه‌ور شدن در این اقیانوس بی‌کران. همچنین از آنجا که هیچ تلاشی خالی از نقصان نیست، از صاحب‌نظران و اندیشمندان محترم این تقاضا می‌رود که با نقد و بررسی منصفانه خویش، نویسندگان را در جهت رفع کاستی‌ها و ارتقای سطح کیفی این اثر ناچیز، یاری رسانند.



۱) حافظ شیرازی، ۱۳۹۳، غزل شماره ۳۷. ۲) (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۶ ص ۴۸۵). ۳) (عطارد، ۱۳۷۶، بخش ۶). ۴) (مجله علمی "لابیو ساینس، March, Michael D. Lomonick, ۲۰۱۱). ۵) (شیخ بهائی، ۱۳۹۱، رباعیات، رباعی شماره ۹). ۶) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۱۵). ۷) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۱۴). ۸) (نراقی، ۱۳۹۵، بخش ۳۵، حکایت). ۹) (خمینی، ۱۳۸۸، ص ۳۹۱-۳۹۰). ۱۰) (مولانا، ۱۳۹۱، دفتر اول، بخش ۱۷۲). ۱۱) (رازی، ۱۳۸۷، ص ۴۲). ۱۲) (رخشاد، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۰۷). ۱۳) (عطارد نیشابوری، ۱۳۹۰، بخش ۵۳). ۱۴) (بیانات آیت الله وحید خراسانی، خبرگزاری دانشجویان ایران «ایسنا»، ۱۳۹۳/۰۲/۱۰). ۱۵) (پسندیده، ۱۳۸۸، ص ۱۹۵). ۱۶) (معزی، بی‌تا، شماره ۱۵). ۱۷) (خمینی، ۱۳۸۸، ص ۳۳۳ و ۳۳۶). ۱۸) (حافظ، ۱۳۹۶، غزلیات، غزل شماره ۴۸۷). ۱۹) (حسن زاده آملی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۸۹ تا ۳۹۱). ۲۰) (اعتصامی، ۱۳۸۶، قصاید، قصیده شماره ۹). ۲۱) (حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۹۱ تا ۳۹۱). ۲۲) (صائب تبریزی، ۱۳۹۲، تک بیت‌های برگزیده، تکبیت شماره ۱۵۲۳). ۲۳) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۴۶). ۲۴) (جامی و افصح زاد، ۱۳۷۸، بخش ۴۶). ۲۵) (امام خامنه‌ای، سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۱۳۹۹/۰۱/۰۳). ۲۶) (حافظ، ۱۳۹۶، غزلیات، غزل شماره ۷۲). ۲۷) (طاهرزاد، ۱۴۰۰، وصیتنامه شهید سلیمانی). ۲۸) (سعدی، ۱۳۹۸، باب دوم در اخلاق درویشان، حکایت شماره ۴۶). ۲۹) (امام خامنه‌ای، بیانات در مصاحبه هنگام اخذ رأی در انتخابات مجلس نهم، ۱۳۹۰/۱۲/۱۲). ۳۰) (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲). ۳۱) (مولوی، ۱۳۹۳، دفتر اول، بخش ۳۲، (جوادی آملی، خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۹۶/۰۴/۰۵). ۳۲) (طبرسی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۹؛ طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۳۶۶). ۳۳) (حافظ، ۱۳۹۶، غزلیات، غزل شماره ۲۶۸). ۳۴) (جوادی آملی، عبدالله، «به سوی معبود»، وبگاه آپارات، ۱۳۹۲/۰۶/۰۸). ۳۵) (حافظ، ۱۳۹۶، غزلیات، غزل شماره ۵). ۳۶) (بدیعی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹). ۳۷) (بدیعی، ۱۳۸۶، ص ۲۲۷). ۳۸) (غروی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۰). ۳۹) (بدیعی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۲). ۴۰) (فروغی بسطامی، ۱۳۷۶، غزل شماره ۲۲۶). ۴۱) (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۹۵). ۴۲) (طبرسی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۳۵). ۴۳) (مولوی، ۱۳۹۳، دفتر اول، بخش ۴۷). ۴۴) (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۶۵). ۴۵) (جعفری تبریزی، ۱۳۷۶، ج ۱۲، ص ۱۱-۱۰). ۴۶) (حافظ، ۱۳۹۶، غزلیات، غزل شماره ۱۸۷). ۴۷) (کارل، ۱۳۸۵، ص ۱۵۸). ۴۸) (کارل، ۱۳۶۴، ص ۴۱؛ نورپنا، ۱۳۷۲، ص ۱۱۵). ۴۹) (رسولی محلاتی، ۱۳۶۸، ج ۱۰۳). ۵۰) (کلینی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۶۸). ۵۱) (بقره: آیه ۱۵۵). ۵۲) (حافظ، ۱۳۹۶، غزلیات، غزل شماره ۸۴). ۵۳) (نراقی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۸ و ۵۹). ۵۴) (مولوی، ۱۳۹۳، دفتر پنجم، شماره ۲۸). ۵۵) (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۱۷؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱). ۵۶) (صائب تبریزی، ۱۳۹۲، غزل شماره ۲۹۸۵). ۵۷) (جوادی آملی، ۱۴۰۲، ج ۳، ص ۵۴۳). ۵۸) (صائب تبریزی، ۱۳۹۲، غزل شماره ۲۶۵۵). ۵۹) (خمینی، ۱۳۸۸، ص ۳۸۸-۳۸۸). ۶۰) (سعدی، ۱۳۸۹، مواظ، مثنویات، شماره ۲۵). ۶۱) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۲۹). ۶۲) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۲۹). ۶۳) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۸۷). ۶۴) (سعدی، ۱۳۸۹، غزلیات سعدی). ۶۵) (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۰۵). ۶۶) (سعدی، ۱۳۹۸، باب اول در سیرت پادشاهان، حکایت شماره ۱۶). ۶۷) (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۰۵). ۶۸) (سعدی، ۱۳۹۸، در باب سیرت پادشاهان). ۶۹) (امام خامنه‌ای، بیانات در نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۳/۲۹). ۷۰) (سعدی، ۱۳۸۹، غزلیات، غزل شماره ۱۸). ۷۱) (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۸۵). ۷۲) (مکارم شیرازی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۷۷). ۷۳) (حافظ، ۱۳۹۶، غزلیات، غزل شماره ۳۷). ۷۴) (امام خمینی، ۱۳۸۹، جلد ۱۷، صفحه ۴۷۳). ۷۵) (مولانا، ۱۴۰۰، رباعی شماره ۱۷۵۹). ۷۶) (مصباح یزدی، ۱۳۹۵/۰۳/۲۳). ۷۷) (سعدی، ۱۳۹۱، باب اول، عدل و تدبیر و ری، بخش ۴، شماره ۲۱). ۷۸) (آیت الله مظاهری، ۱۳۹۳، عفو گذشت، مجله افق حوزه). ۷۹) (مولوی، ۱۳۹۳، دفتر سوم، بخش ۲۰، شماره ۱۴). ۸۰) (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۲۹۱). ۸۱) (مولوی، ۱۳۹۳، دفتر چهارم، بخش ۸۲). ۸۲) (غزالی، ۱۳۷۵، ص ۶۰). ۸۳) (ترکی شیرازی، ۱۳۸۵، فصل پنجم، قطعه‌ها و تک بیت‌ها، شماره ۶۲). ۸۴) (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۲۹). ۸۵) (نراقی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۸۰). ۸۶) (عطارد نیشابوری، ۱۳۹۵، بخش ۶۸). ۸۷) (امام خمینی، ۱۳۷۹، کتاب الزکاة ج ۱، ص ۳۲۸). ۸۸) (مولوی، ۱۳۹۳، ص ۴۸۳). ۸۹) (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۴۰۱/۰۱/۲۳). ۹۰) (ملک الشعراء بهار، ۱۳۸۲، قطعه کابوسیه، شماره ۱۶۳). ۹۱) (امام خامنه‌ای، بیانات در دیدار رضائی دانشجویان، ۱۴۰۲/۰۱/۲۹). ۹۲) (ابن اسفندیار، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۳). ۹۳) (علامه شتر، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۴۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۴؛ سبحانی، ۱۴۲۱، ص ۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۸۷ و ۸۸). ۹۴) (سعدی، ۱۳۹۱، باب چهارم در تواضع، بخش ۷). ۹۵) (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۹۰). ۹۶) (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۸۴). ۹۷) (امام خمینی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۲۸۵). ۹۸) (صائب تبریزی، ۱۳۹۲، غزلیات، شماره ۶۹۵). ۹۹) (امام خامنه‌ای، سخنرانی در دیدار با مسؤولان بنیاد شهید، ۱۳۶۹/۰۵/۲۴).

مرست منابع و مآخذ

-قرآن کریم

-نهج البلاغه

۱. ابن اسفندیار، محمدبن حسن، ۱۳۹۶، تاریخ طبرستان انتشارات اساطیر، چاپ دوم.
۲. اعتصامی، پروین، ۱۳۸۰، دیوان پروین اعتصامی، تهران: انتشارات صدای معاصر.
۳. امام خمینی (ره)، روح الله، ۱۳۷۹، تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴. امام خمینی، روح الله، ۱۳۸۸، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. امام خامنه‌ای، سایت <https://farsi.khamenei.ir>
۶. امام خمینی، روح الله، ۱۳۸۹، صحیفه امام خمینی (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. امام خمینی، روح الله، ۱۳۶۸، صحیفه نور، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. بدیعی، محمد، ۱۳۸۶، گفتگو با علامه حسن حسن زاده آملی، چاپ پنجم، قم: انتشارات تشیع.
۹. پسندیده، عباس، ۱۳۸۸، اخلاق پژوهی حدیثی، دانشگاه قرآن و حدیث، چاپ اول.
۱۰. ترکی شیرازی، محمد حسین، ۱۳۸۵، دیوان ترکی شیرازی، تهران: انتشارات صائب.
۱۱. جامی، عبدالرحمن بن احمد، افصح زاد، اعلاخان، ۱۳۷۸، مثنوی هفت اورنگ: سلسله الذهب، سلمان و ابسال، تحفه الاحرار و سبحة الابرار، مرکز مطالعات ایرانی، چاپ اول.
۱۲. جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۷۶، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸، حکمت عبادات، محقق: شفیعی، حسین، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ: پانزدهم.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۴، تسنیم، انتشارات اسراء، چاپ دوم.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۴۰۲، سلونی قبل ان تفقدونی (تحریر نهج البلاغه)، قم: نشر



اسراء، چاپ دوم.

۱۶. جوادی، عبدالله، ۱۳۸۴ ش، وحی و نبوت در قرآن، قم، اسراء.

۱۷. حافظ، شمس الدین محمد، ۱۳۹۶، دیوان حافظ، شرکت انتشارات آراز بیکران، چاپ اول.

۱۸. حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۷۹، هزار و یک کلمه، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

۱۹. خیرگذاری دانشجویان ایران «ایسنا».

۲۰. رازی، نجم الدین، ۱۳۸۷، مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد، انتشارات فردوس.

۲۱. رخشاد، محمدحسین، ۱۳۸۶، در محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت، موسسه فرهنگی سما، چاپ پنجم.

۲۲. رسولی محلاتی، سیدهاشم، ۱۳۶۸، کیفرگناه و آثار و عواقب آن: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دهم.

۲۳. سبحانی، جعفر، ۱۴۲۱، مفاهیم القرآن، قم: امام صادق (ع).

۲۴. سعدی شیرازی، مصلح بن عبدالله، ۱۳۹۸، گلستان سعدی، انتشارات مرسل.

۲۵. سعدی، مصلح بن عبدالله، ۱۳۸۹، دیوان سعدی، انتشارات پر سیمرغ، چاپ اول.

۲۶. سعدی، مصلح بن عبدالله، ۱۳۹۱، بوستان سعدی، انتشارات کتاب همراه، چاپ نهم.

۲۷. شبّر، سید عبدالله، ۱۳۷۱ ش، مصابیح الأنوار فی حل مشکلات الأخبار، قم، بصیرتی.

۲۸. شیخ بهائی، محمدبن حسن، نفیسی، سعید، ۱۳۹۱، دیوان شیخ بهائی، انتشارات زرین، چاپ پنجم.

۲۹. صائب تبریزی، محمدعلی، ۱۳۹۲، دیوان صائب تبریزی، انتشارات اقبال، چاپ چهارم.

۳۰. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۶۶، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق: خواجهوی، محمد، انتشارات بیدار، قم، چاپ دوم.

۳۱. طاهرزاد، امید، ۱۴۰۰، وصیت نامه شهید حاج قاسم سلیمانی، انتشارات شبنا، چاپ دوم.

۳۲. طباطبائی، محمد حسین طباطبائی، ۱۳۷۸، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۴، مجمع البیان، انتشارات ناصر خسرو، چاپ چهارم.





۳۴. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۰، الاداب الدينية للخزانة المعينية، ترجمه احمد عابدى، قم: انتشارات زائر.
۳۵. عطار، محمد بن ابراهيم، ۱۳۷۶، مظهرالعجايب و مظهرالاسرار، انتشارات سنائی.
۳۶. عطارنیشابورى، فريدالدين محمد، ۱۳۹۰، پندنامه، مکتبه البشرى، چاپ اول.
۳۷. غرويان، محسن، ۱۳۷۷، در محضر استاد حسن زاده آملی، قم: دفتر نشر برگزیده، چاپ چهارم.
۳۸. غزالی، محمدبن محمد، ۱۳۷۵، رسائل الامام الغزالی، بيروت، انتشارات دارالفکر.
۳۹. فروغی بسطامی، عباس بن موسى، قليچ خانى، حميدرضا، ۱۳۷۶، ديوان فروغى بسطامى، انتشارات روزنه، چاپ اول.
۴۰. کارل، آلکسيس، ۱۳۶۴، نیایش، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
۴۱. کارل، الکسيس، ۱۳۸۵، انسان موجود ناشناخته، ترجمه دکتر پرويز ديبري، انتشارات مهرفروز، چاپ دوم.
۴۲. کلینی، محمدبن يعقوب، ۱۳۹۱، اصول الكافي، تهران، دارالثقلين، چاپ دوم.
۴۳. محمدی، حميد و ديگران، ۱۳۹۵، درسنامه نهج البلاغه، قم: انتشارات دارالعلم.
۴۴. مصباح يزدی، محمدتقى، ۱۳۹۴، پندجاويد، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشى امام خمينى (ره).
۴۵. مصباح يزدی، محمدتقى، خبرگزاری دانشجویان ايران، ايسنا، ۱۳۹۵/۰۳/۲۳.
۴۶. مطهری، مرتضى، ۱۳۸۷، مجموعه آثار شهيد مطهری، انتشارات صدرا، چاپ چهارم.
۴۷. مطهری، مرتضى، ۱۳۷۸، يادداشت‌هاى استادمطهری، انتشارات صدرا.
۴۸. مطهری، مرتضى، ۱۳۸۵، قيام و انقلاب مهدى از دیدگاه فلسفه تاريخ و مقاله شهيد، انتشارات صدرا، چاپ بيست و نهم.
۴۹. مطهری، مرتضى، ۱۳۸۵، قيام و انقلاب مهدى به ضميمه شهيد، قم، صدرا، چاپ بيست و نهم.
۵۰. معزى، امير، بى تا، قطعات امير معزى، ديوان اشعار، کتابچين.
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسير نمونه، تهران: دارالکتب الاسلاميه.



۵۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷ ش، پیام قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامی.

۵۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۰، پیام امام امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۹۰،

انتشارات امام علی بن ابی طالب، چاپ اول.

۵۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۹۵، گفتار معصومین علیهم السلام، انتشارات امام علی بن ابی

طالب.

۵۵. ملک الشعراء بهار، محمدتقی، ۱۳۸۲، دیوان اشعار ملک الشعراء بهار، تهران:

انتشارات نشر آزاد مهر.

۵۶. مولانا، جلال الدین محمد بلخی، ۱۴۰۰، دیوان شمس تبریزی، انتشارات آستان مهر.

۵۷. مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۱۳۹۳، مثنوی معنوی، انتشارات ثالث، چاپ هفتم.

۵۸. نراقی، محمد مهدی، ۱۳۹۰، جامع السعادات، قائم آل محمد (ص)، چاپ سوم.

۵۹. نراقی، ملا احمد، حسن نراقی، ۱۳۹۵، مثنوی طاقدیس، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.

۶۰. نوریه، حسنعلی، ۱۳۷۲، پرورش در پرتو نیایش، قم، نشر تفکر، چاپ اول.

۶۱. Lemonick, Michael D. (March ۲۰۱۱, ۷). "Alien Life Discovered in a Meteorite! Or Maybe No". Time magazine online. Archived from the original on March ۲۰۱۱, ۹. Retrieved October ۲۰۱۱, ۳. The paper, meanwhile, had been published in Science, one of the world's top scientific journals, which gave it even more apparent gravitas.



